تصوير ابو عبد الرحمن الكردي

قرآن بیان کننده حقوق خالق و مخلوق، دفاع کننده از حقوق واقعی و عادلانه
بشر و نشان دهنده راه سعادت و رستگاری انسانهاست

پاسخ قرآن
به بعضی شبهات

از مطالب مورد اشاره در این کتاب:

- جرائمی که مجازات دنیائی آنها درقرآن مشخص گردیده است
- حقوق زن، بعضی اهداف حجاب و فلسفه تعدد زوجات
- بعضی رفتارهای شرک آمیز
- موارد تجویز جنگ
- لزوم بازنگری در منشور ملل متحَد
- راه وحدت و پیشرفت و ...

مؤلف : محمود جاویدان

بسم الله الرحمن الرحیم

با تدبّر در قرآن و جمع‌بندی آیات آن به‌ویژه آیه‌های مربوط به جنگ، مجازات دنیائی جرائم، حقوق زن، تعدد زوجات، حجاب، حقوق اقلیتها و رفتارهای شرک‌آمیز روشن می‌گردد که قرآن با قوانین حکیمانه و بشردوستانه خود مانع بداندیشی و بی‌عدالتی می‌باشد و نسبتهای بدی که در نقاط مختلف جهان به قرآن و حضرت محمد(ص) داده می‌شود و آنان را به تجویز بعضی رفتارهای ظالمانه، مخالفت با پاره‌ای از حقوق بشر و به ترویج خرافه‌پرستی متهم می‌کنند دور از حقیقت و نادرست می‌باشند و مسلمان اصیل با متابعت از قرآن و روش قرآنی حضرت محمد(ص) از عقیده و رفتاری خردمندانه و نیکو برخوردار است و با علم و عمل به قرآن می‌توان از بندگان خوب خدا و نمونه‌ای از بهترین انسانهای زمان خود بود.

سرشناسه	:	جاویدان، محمود، ۱۳۲۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	پاسخ قرآن به بعضی شبهات/ مؤلف محمود جاویدان
مشخصات نشر	:	تهران: محمود جاویدان، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۲٦ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹٦٤-۰٦-۹٦۱۹-٤
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	قرآن -- تحقیق
موضوع	:	قرآن -- بررسی و شناخت
موضوع	:	حدود (فقه) -- جنبه‌های قرآنی
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۸۸ ۲ پ ۲ ج/۳/٦٥ BP
رده‌بندی دیویی	:	۲۹۷/۱٥
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۹۰۲٦۹۹

نام کتاب: پاسخ قرآن به بعضی شبهات

موارد تجویز جنگ، مجازاتهای دنیائی جرائم، حقوق زن، بعضی اهداف حجاب و فلسفه تعدد زوجات، بعضی رفتارهای شرک‌آمیز، بازنگری در منشور ملل متحد، راه وحدت و پیشرفت و...

نگارش: محمود جاویدان، تهران، شهرک اکباتان، فاز ۲، بلوک ۱۳، ورودی ۳، شماره ۳۰۸

تلفن: ٤٤٦٤۳٥۷۹

چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپخانه: اطمینان

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پاساژ ظروفچی، پ ۱٤۳۰، طبقه دوم، پلاک ۵، کتابفروشی دانش‌گستر ـ تلفن: ٦٦٤۸۳۰۳۰

شابک: 978-964-06-9619-4

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

«...الحمدُللّه وسلامٌ علی عباده الّذین اَصطفی»

با سلام و اداءِ احترام؛ بمنظور تضارب آراء، شکوفائی اندیشه‌ها و اصلاح امور در جهت خشنودیِ پروردگار متعال به استحضار می‌رسانم:

۱- پیشگفتار:

در صورتیکه عقاید، اعمال و قوانین خویش را به آیات روشن و محکم قرآن منطبق نمائیم علاوه بر آنکه موجبات رستگاری اُخْرَوی خود را مهیا می‌کنیم دامنه عدالت، آزادی، رفاه، امنیت و سایر نیکویی‌ها را در دنیا گسترش خواهیم داد:

بعضی قول و حدیث‌ها حق را به باطل پوشانیده و شرک و خرافه را به توحید و یگانه پرستی آمیخته و تفرقه و فساد را افزایش داده‌اند و

به بیان قرآن که می‌فرماید: «... لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ... چرا حق را به باطل می‌پوشانید... (۷۱ آل عمران)- وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ... - وازمردمان کسانی (هستند که) بدون دانش، خریدار روایاتی بیهوده‌اند تا (خود و دیگران را) از راه خدا گم نمایند... (٦ لقمان)»

برخی از ما انسان‌ها ندانسته به تعدادی از احادیثِ نادرست گرایش پیدا کرده و بعضی از اعتقادات واعمال خود را براساس آن‌ها شکل داده‌ایم، درحالیکه طبق بعضی بررسی‌ها و به تصریح آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود **قرآن کریم بهترین حدیث[1]، کتاب هدایت خدا[2]، نور[3]، قانونی کامل و نعمتی تمام[4]، فرقان[5] و میزان سنجش حق و باطل[6]، رحمت و بیان‌کننده همه حقایق مورد نیاز برای هدایت و کمال و رستگاری بشر می‌باشد[7]، و حضرت محمّد(ص) نیز رسول خدا[8]، ابلاغ‌کننده و مبیّن قرآن[9]، امام و رحمت[10] و در متابعت از قرآن[11] ودر عمل به دستورات آن[12] سرمشقی نیکو[13] برای جهانیان بوده، آن حضرت و سایر انسان‌ها مخصوصاً مسلمانان به تَمسّک به قرآن[14] و اجرای دستورات آن موظّف گردیده و از تفرقه و داشتن عقیده و عملِ خلافِ قرآن ممنوع شده‌اند[15].**

البته بعضی روایات دارای مفاهیمی حکیمانه، پندآموز و درجهت تبیین و تفسیر مطالب مندرج درکتاب‌های الهی می‌باشند، ولی آنچه

مسلّم است، آن است که ما انسان‌ها با شنیدن یا دیدن چیزی نمی‌توانیم تمام قسمت‌ها و جوانب آن را به ذهن خود بسپاریم و بازگوکنندگان حدیث و خبر به فرض این‌که راستگو و بی‌غرض بوده باشند، هر یک از آنان برداشت و نظر خود را بیان کرده‌اند و معمولاً کمبود اطّلاع و اشتباه و فراموشی موجب تغییری مُؤثّر در عبارات و مفاهیم حدیث وخبر می‌باشد و علاوه بر تغییر غیرعمدِ عبارات و مفاهیمِ بسیاری از روایات، چون در طول تاریخِ حدیث، روایاتی نیز توسط افراد بی‌تقوا، جعل و تحریف گردیده و بسیاری از آن‌ها و خیلی از احادیثی که بغیر عمد تغییر یافته است به رسولان و اولیاءِ دین خدا استناد و نسبت داده شده و در اثر اغواگری‌ها، کم‌تقوائی، جعل و تغییر روایات و به سبب وجود رویاهای شیطانی که تائیدکننده عقاید باطلند، خیلی از آثار رسالت انبیاءِ خدا از میان رفته و ایمان و اَعمالِ اکثر افرادِ خداپرست به شرک و خرافه پرستی گرائیده است[۱۶].

لذا می‌باید بیش از پیش به قرآن اهمیّت و بها بدهیم و با مطالعه دقیق و مداوم آن[۱۷]، به زبان و مفاهیم این کتاب عظیم آشنا و مأنوس شویم[۱۸] و در مقام تفسیر هر آیه آن، بدون پیش‌داوری و حبّ و بغض، ضمن در نظر داشتن اهداف کلّی نزول قرآن به توضیحات و اشاراتی که در سایر آیه‌ها در رابطه با موضوعِ آن آیه وجود دارد توجه کنیم و با استفاده از اطلاعات موجود در سایر آیه‌های قرآن و با جمع‌بندی کلیّهٔ

آیه‌های مربوط به موضوعِ آیهٔ مورد نظر، تفسیر آن آیه را مشخّص نمائیم و نه تنها نظر خود یا بعضی روایات مورد نظر خود را به قرآن تحمیل نکنیم، بلکه به‌وسیلهٔ قرآن اعتبار و ارزشِ روایت‌ها را بسنجیم و روایاتی که با آیات محکم قرآن هم‌خوانی و هماهنگی ندارند به کنار بگذاریم و بیشترین جهاد و تلاش ما بر آن باشد که با افزایش دانش و بهره‌گیری هرچه بهتر از خرد خویش[۱۹]، همهٔ اعتقادات و اَعمال خود را قرآنی نمائیم، **تا به پیروی از پیامبران و ائمّه هُدَی(ع) با متابعت از کتاب هدایت خداوند مهربان در دنیا و آخرت سعادتمند و رستگار باشیم**[۲۰].

نمونه آیات مورد استناد:

۱/۱- قرآن از هر حدیثی بهتر است

آیه ۲۳ سوره زمر: «**اللهُ نَزَّلَ اَحْسَنَ الْحَدیث ...- خدا قرآن را که بهترین حدیث است نازل کرد (تا هر که بخواهد هدایت شود به وسیله آن او را هدایت نماید)... »**

۱/۲- قرآن کتاب هدایت خداوند است:

آیه۹ سوره اِسراء: «**اِنَّ هَذَا الْقُرآنَ یَهْدِی لِلَّتی هِیَ اَقْوَمُ ...- این قرآن به**

درستی و به آنچه راست‌تر و پایدارتر است هدایت می‌نماید (بخصوص افراد باتقوایی را که در راه تشخیص حق و عمل به آن مقاوم باشند)... ».

۱/۳- قرآن نور است:

آیه ۱۷٤ سوره نساء: «یاایُّهاالنّاسُ قَدْجاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِکُمْ وَاَنْزَلْنا اِلَیْکُمْ نُوراًمُبینا– ای‌مردم (برای هدایت شما) از جانب پروردگارتان حجّتِ حق (و دلیلی آشکار) آمد و به سوی شما نوری تابان نازل کرده‌ایم».

۱/٤- قرآن قانونی کامل برای دینی آسان و نعمتی تمام برای تابعین آن است:

آیه ۳ و ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره مائده: «...اَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی... – (قانونِ) دین شما را به حدّ کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم...(۳) ... لاتَسْئَلُوا عَنْ اَشْیاءَ اِنْ تُبْدَلَکُمْ تَسُؤْکُمْ وَاِنْ تَسْئَلُوا عَنْها حینَ یُنَزَّلُ الْقُرْءانُ تُبْدَلَکُمْ عَفَااللهُ عَنْها... ـ نپرسید از چیزهائی‌که اگر آشکار شوند موجب (سخت شدن دین و سبب) ناراحتی شما می‌شود...» و...

۱/۵- قرآن فرقان و جداکننده حق از باطل است:

آیه۱ سوره فرقان: «تَبارَکَ الَّذی نَزَّلَ الْفُرقانَ عَلی عَبْدِه لِیَکُونَ لِلْعالَمینَ نَذیراً – خجسته و پربرکت است آن‌که فرقان (جداکننده حق از باطل) را بر

بنده‌اش نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده باشد».

۱/۶- قرآن میزان سنجش حق و باطل است:

آیه ۱۷ شورا: «اللهُ الَّذی اَنْزَلَ الْکتابَ بِالْحَقِّ وَالْمیزانَ... - خدا کسی است که کتاب را به حق و میزان نازل کرد...».

۱/۷- قرآن رحمت و بیان‌کننده همه حقایق مورد نیاز برای هدایت و رستگاری است:

آیه ۸۹ سوره نحل: «... وَنَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ وَهُدیً وَرَحْمَةً وَبُشْری لِلْمُسْلِمینَ- و ما کتاب را که تبیین‌کننده هر چیز و هدایت و رحمت و بشارت برای تسلیم شدگان (به حق) است بر تو نازل کردیم».

۱/۸- حضرت محمد(ص) رسول خداوند برای همه مردم است:

آیه ۲۸ سبا: «...وَما اَرْسَلْناکَ اِلّا کافَّةً لِلنّاسِ بَشیراً وَنَذیراً...- و ما تو را به پیامبری نفرستادیم مگر برای همه مردم، مژده‌دهنده و بیم‌رسان...».

۱/۹ - حضرت محمد (ص) ابلاغ‌کننده، مبیّن و معلّم قرآن و واجب‌الاطاعه بوده است:

آیه ۵۴ نور: «قُلْ اَطیعُوا اللهَ وَاَطیعوا الرَّسولَ... وَاِنْ تُطیعُوهُ تَهْتَدُوا وَما

عَلَی الرَّسُولِ اِلّاَ الْبَلاغُ الْمُبینُ -... واگر او را اطاعت کنید هدایت می‌شوید و بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ آشکار نمی‌باشد» و آیه ٤٤ نحل: «...اَنْزَلْنا اِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلَیْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ - قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین کنی... » و...

۱/۱۰- حضرت محمد(ص) امام و رحمت برای جهانیان است:

آیه ۸۰ نساء: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطاعَ اللهَ...- کسی که رسول خدا را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است ...». و آیه ۱۰۷ سوره انبیاء: «وَما اَرْسَلْناکَ اِلّا رَحْمَةً لِلْعالَمینَ- ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

۱/۱۱- حضرت محمد(ص) مکلف به متابعت ازقرآن بوده است:

آیه ۲ سوره احزاب: «وَاتَّبِعْ ما یُوحی اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ ...- و آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن...».

۱/۱۲- حضرت محمد(ص) طبق احکام قرآن قضاوت ورفتار می‌نموده است:

آیه ٤۹ سوره مائده: «وَاَنِ احْکُمْ بَیْنَهُمْ بِما اَنْزَلَ اللهُ وَلا تَتَّبِعْ اَهْواءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ اَنْ یَفْتِنُوکَ عَنْ بَعْضِ ما اَنْزَلَ اللهُ اِلَیْکَ ...- و میانشان بر وفق آنچه

خدا نازل کرده است حکم کن و از هوس‌هایشان پیروی مکن و از ایشان برحذر باش که مبادا بفریبندت تا از بعضی از چیزهائی که خدا بر تو نازل کرده غفلت نمائی...».

۱/۱۳- رسول خداوند امام و سرمشقی نیکو است:

آیه ۲۱ سوره احزاب: «لَقَدْ كانَ لَكُمْ فی رَسُولِ اللهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ یَرْجُوا اللهَ وَالْیَوْمَ الاخِرَ وَذَكَرَ اللهَ كَثیراً...- برای کسانی از شما که به خدا و روز قیامت امید دارند وخدا را زیاد یاد می‌کنند رسول خدا، امام والگوئی نیکو می‌باشد».

۱/۱۴- همه ما باید قرآن را وسیله اتحاد خود با یکدیگر قرار بدهیم:

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقُوا... - همگی به ریسمان خدا (قرآن) چنگ بزنید و متفرق نشوید...».

۱/۱۵- حضرت محمد(ص) و مسلمانان (و سایر انسانها) به تمسک به قرآن و اجرای دستورات آن موظف گردیده‌اند:

آیه‌های ۴۳ و ۴۴ سوره زخرف: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذی اُوحِیَ اِلَیْكَ اِنَّكَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ - (ای محمد) پس به آنچه به تو وحی شده چنگ بزن (دراین

صورت) توبر راه راست هستی (۴۳) وَاِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَلِقَومِکَ وَسَوْفَ تُسْئَلوُنَ - و به درستی که این (قرآن) قانون تو و قانون قوم توست و به زودی (در مورد نحوه عمل به آن) مورد سؤال قرار خواهید گرفت (٤٤)».

١/١٦- دراثر اغواگریها، جعل وتغییر برخی روایات و وجود بعضی رویاهای شیطانی، خیلی از آثار رسالت انبیاء خدا از میان رفته و ایمان و اعمال اکثر افراد خداپرست به شرک و خرافه‌پرستی گرائیده است، نمونه آیات مبیّن این موضوع:

آیه‌های ١١٦ و ١١٧ سوره مائده: «وَاِذْقالَ اللهُ یاعیسی ابْنَ مَرْیَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنّاسِ اتَّخِذُونی وَاُمّیَ اِلَهَیْنِ مِنْ دُونِ الله قالَ سُبْحانَکَ مایَکُونُ لی اَنْ اَقُولَ مالَیْسَ لی بِحَقٍّ اِنْ کُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مافی نَفْسی وَلا اَعْلَمُ مافی نَفْسِکَ اِنَّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ - و هنگامی که (در روز قیامت) خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم، آیا تو برای مردم گفته‌ای که مرا و مادرم را از دون خدا پرستش نمائید؟! (حضرت مسیح دربیان واقعیت خواهد) گفت پاک و منزّهی ازهرگونه شریک، شایسته و سزاوارمن نیست که سخنی بگویم که حقّم نباشد، اگر چنین ناحقّی را گفته بودم تو خود می‌دانستی، تو به اسرار و ضمیر من آگاهی و من از آنچه در ذات تو است بی‌خبرم، به درستی که تو دانای غیب‌هائی (١١٦) ماقُلْتُ لَهُمْ اِلّاما اَمَرْتَنی بِهِ اَنِ اعْبُدُوا اللهَ رَبّی وَرَبَّکُمْ وَکُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهیداً مادُمْتُ

فیهِمْ فَلَمّا تَوَفَّیْتَنی کُنْتَ اَنْتَ الرَّقیبَ عَلَیْهِمْ وَاَنْتَ عَلی کُلِ شَیءٍ شَهیدٌ- تنها چیزی که من برای آنان گفتم، همان بود که به من مأموریت دادی تا آنان را دعوت به عبادت تو نمایم و بگویم خداوند یگانه را که پروردگار من و پروردگار شماست پرستش کنید، و تا زمانی که در میانشان بودم گواه بر آنان بودم (وحتّی‌الامکان نگذاشتم شرک‌ورزی و خرافه پرستی نمایند) و وقتی مرا برگرفته و میراندی (دیگر اطّلاعی از آنان نداشتم) تو خود مراقب آنان بودی و تو بر هر چیز گواهی(۱۱۷)».

۱/۱۷- قرآن می‌باید بطور مداوم مورد مطالعه قرار گیرد:

آیه ۲۰ سوره مزّمّل: «...فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرآنِ...- پس هرچه میسّر است قرآن بخوانید (با توجه به آیات ۲ و ۳ و ٤ و ۲۰ سوره مزّمّل و بعضی آیه‌های دیگر قرآن کریم، شاید بهتر باشد که حتّی‌الامکان حدود ٦ ساعت از شبانه روز قرآن را به دقّت مطالعه و در آن تَدَبُّرو تفکّر نمائیم)».

۱/۱۸- خداوند برای آشنایی و عمل به قرآن، فراگیری این کتاب عظیم را آسان نمود:

آیه ۱۷ سوره قمر: «وَلَقَدْ یَسَّرْنا الْقُرآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ- ما قرآن را برای ذکر (یادآوری، حکمت آموزی و به‌عنوان وسیله هدایت و قانونی لازم‌الاجرا) آسان نمودیم، پس آیا پندگیرنده (و اجراکننده)ای هست؟ (که

حقّ آن را به جای آورده، از کم اعتنائی به آن اجتناب کرده و هدایت شونده باشد)» و...

۱/۱۹- باید برای افزایش دانش قرآنی و بهره‌گیری هرچه بهتر از خرد خویش تلاش کنیم:

آیه ۱۱٤ طه: «... قُلْ رَبِّ زِدْنی عِلْما - بگو پروردگارا به دانش من بیفزای» و آیه ۱۱ مجادله: «...یَرْفَعِ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذینَ اُوتوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ ... - خدا درجات کسانی از شما که ایمان آوردند و آنانکه علم داده شدند رابالا می‌برد...» وآیه ۹ زُمَر: «...هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذینَ لا یَعْلَمُونَ اِنَّما یَتَذَکَّرُ اُولُوا الْاَلْبابِ - آیا کسانی که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟! تنها خردمندان پند می‌پذیرند» و آیه‌های ۷ و ۸ بیّـنه: «اِنَّ الَّذینَ ءامَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ اولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّه -کسانی که ایمان آوردند وکارهای شایسته انجام‌دادند بهترین آفریدگانند(۷) جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهارُ خالِدینَ فیها اَبَداً رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذالِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ - پاداش آنان نزد پروردگارشان بهشت‌های جاوید است که از زیر آن نهرها جاریست و تا ابد در آن متنعّمند، هم خدا از آنان خشنود است و هم آنان از خدا خشنود می‌باشند، آن (مقام و موقعیّت عالی در آخرت) برای کسی است که (در دنیا) از نافرمانی پروردگارش بیمناک بوده است(۸)» و به موجب آیه

۲۸ فاطِر، تنها بندگان دانای خدا از نافرمانی او و از این‌که افکار و یا کردارشان خلاف رضای خدا باشد بیمناک می‌باشند: «... اِنَّما یَخْشَی اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَمٰؤُا...». قابل توجه آنکه طبق آیاتی نظیر آیه ۱۰۵ سوره یوسف که می‌فرماید: «وَکَاَیِّنْ مِنْ آیَةٍ فِی السَّماواتِ وَالْاَرْضِ یَمُرُّونَ عَلَیْها وَهُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ»، اکثرما انسانها نه تنها برای شناخت قوانین طبیعت دقّت نمی‌کنیم، چه بسیار است آیات شناختِ خدا در آسمانها و زمین که از آنها روی می‌گردانیم.

۱/۲۰- با متابعت از کتاب هدایت خدا در دنیا و آخرت سعادتمند و رستگار باشیم:

آیه ۷۱ سوره انعام: «... قُلْ اِنَّ هُدَی اللهِ هُوَ الْهُدَی وَاُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمینَ- بگو هدایتِ خدا هدایت است، و امر شده‌ایم که برای پروردگار جهانیان تسلیم شویم» و آیه‌های ۱۵ و ۱٦ سوره مائده: «... قَدْ جاءَکُمْ مِنَ اللهِ نُورٌ وَ کِتابٌ مُبینٌ- از جانب خداوند نور و کتاب آشکار بر شما نازل شده است (۱۵) یَهْدی بِهِ اللهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَیُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ بِاِذْنِهِ وَیَهْدیهِمْ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ- خداوند به وسیله آن هر کس را که در پی خشنودی اوست به راه‌های سلامت، آرامش، کمال و رستگاری هدایت می‌کند و طبق مشیّت خود آنان را از ظلمت‌ها (ظلمتِ شرک، ستم،

دُروغ، نادرستی و...) خارج و به سوی نور (نور توحید، عدل، راستی، درستی و...) رهبری و ایشان را به راه راست هدایت می‌نماید».

امید است در اثر تبلیغ قرآن و عمل به دستورات آن در انجام تعهّد خود نسبت به دین حقّ موفّق شویم و همچون افراد مُرتَد (الف)، یا کسانی‌که آیات خدا را کتمان می‌کنند(ب) مورد لعن خدا و ملائکه و مردمان نباشیم و یا از آنانی محسوب نشویم که به گناهِ بی‌اعتنائی به قرآن مشمول شکایت رسول خدا بوده‌اند(پ):

الف/۱- در رابطه با ارتداد: «کَیْفَ یَهْدِی اللهُ قوماً کَفَرُوا بَعْدَ ایمانِهِمْ وَشَهِدوا اَنَّ الرَّسولَ حَقٌّ وَجاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَاللهُ لایَهْدِی الْقومَ الظّالمینَ- چگونه خداوند جمعیّتی را هدایت کند که بعد از ایمان و گواهی به حقّانیّت رسول و آمدن نشانه‌های روشن کافر (مُرتَد) شدند، خداوند جمعیّت ستمکاران را هدایت‌نمی‌کند(۸۶) اولئِکَ جَزاؤُهُمْ اَنَّ عَلَیْهِمْ لَعْنَةَ اللهِ وَالْمَلائِکَةِ وَالنّاسِ اَجْمَعینَ- کیفر این افراد مرتد آنست که خداوند و ملائکه و مردمان بر آنان لعن فرستند (و به ایشان بی‌اعتنائی نمایند) ۸۷ آل عمران» و...

ب/۱- درخصوص مخفی نگهداشتن آیات: «اِنَّ الَّذینَ یَکْتُمُونَ ما اَنْزَلْنا مِنَ الْبَیِّناتِ وَالْهُدَی مِنْ بَعْدِ ما بَیَّنّاهُ لِلنّاسِ فِی الْکِتابِ اولئِکَ یَلْعَنُهُمُ اللهُ وَیَلْعَنُهُمُ اللّاعِنُونَ- کسانی را که آیات روشن و هدایت کننده‌ای را که نازل

نموده‌ایم پس از آن که در کتاب برای مردم بیانشان کردیم کتمان می‌کنند، خداوند لعنت (و از رحمت خود دورشان) می‌کند و لعنت کنندگان نیز آنان را (در ردیف افراد مرتد) لعنت می‌کنند (۱۵۹ بقره)».

با توجه به آیاتی نظیر آیه‌های ۱۷٤ و ۲۵۹ بقره، ٤۵ یونس، ۲٦ انعام، ۲٤ و ٤۲ انفال، ٤٦ غافر، ٤۹ توبه، ۹۷ نحل، ۳۰ و ۵۵ و ۱٦۹ و ۱۸۷ آل عمران، ۱۰ نساء، ۲٦ یس، ۵۰ و ۵۱ حج، اوایل واقعه، ۳۵ احقاف و ۹۹ تا اواخر مؤمنون، کسانی که با کتمان قرآن آنرا فدای دنیای خود می‌کنند همچون کسانی‌که اموال یتیمان را ظالمانه می‌خورند جزآتش دربطون خودنمی‌خورند «...مایَأکُلُونَ فی بُطونِهِمْ اِلّاالنّارَ... (۱۷٤ بقره)...» و مانند آل فرعون و دیگر کافرانی که گوئی هم اکنون جهنم ناظر و محیط بر آنانست این کتمان کنندگان قرآن نیز با سایر تباه کرداران از اهل هلاکت می‌شوند وجهنم را جایگاه دائمی‌خود می‌کنند «...اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحیطَةٌ بِالْکافِرین (٤۹ توبه)...»، اما افراد مومنی که با تبلیغ قرآن و عمل به آن از اعمالی صالح برخوردارند مانند حضرت عیسی از رفعت و تقرّب یافتگان و همچون کشته شدگان در راه خدا اهل جنّت و حیات طیبه می‌شوند و در جنت و جوار رحمت خدا متنعّم و شاد خواهند شد «... فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً... (۹۷ نحل)...»...

[در رابطه با مسائلی نظیر آتش بودن بعضی اموال و منافع حرام و احاطه جهنّم بر کافران و یا زنده و متنعّم بودن کشته شدگان در راه خدا: با جمعبندی آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد که ما از لحظه فوت خود تا واقعه

قیامت گذر زمان و چیزی را درک نمی‌کنیم لذا هنگام حشر درحالیکه زندگی مجدّد خود را ادامه زندگانی دنیا می‌دانیم خود را مواجه با اعمال ارتکابی و آثار آنها می‌بینیم و احساسمان این است که تا ساعتی قبل در دنیا زنده و مشغول بوده‌ایم: «وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ کَاَنْ لَمْ یَلْبَثُوا اِلّاساعَةً مِنَ النَّهار... روزی که محشورشان کند، گوئی درنگ نکردند جز ساعتی از روز...(۴۵ یونس). وَیَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ماعَمِلَتْ... در آن روز (که طبق آیاتی نظیر آیه ۳ واقعه: «خافِضَةٌ رافِعَةٌ» گروهی را پائین و گروهی را بالا می‌برد) هرکس هر چه کرده است می‌یابد... (۳۰ آل عمران)...» و...]

پ/۱- در مورد شکایت رسول خدا: «وَقالَ الرَّسولُ یارَبِّ اِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً- پیامبر گفت: ای پروردگارمن، قوم من از این قرآن دوری جستند (و آنطور که لازم است به آن اعتناء ندارند) ۳۰ فرقان» و...

۲- مقدمه:

قرآن باطل‌کننده اتهاماتی است که علیه اسلام مطرح می‌شود:

در جهت تبیین پاسخ قرآن به بعضی اتهامات از قبیل اتهام تجویز بعضی رفتارهای ظالمانه و مخالفت با پاره‌ای از حقوق بشر، در این جزوه به جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن مشخص شده و موارد تجویز جنگ و به آیاتی مربوط به حجاب، حقوق زن، تعدد زوجات، حقوق اقلیت‌ها و... اشاره گردیده است تا با تدبّر و تفکّر در قرآن، ضمن توجه به مردود بودن اتهام‌های مذکور، در اصلاح قوانین و روش‌های خلاف قرآن بکوشیم و پیوسته در مسیر حق و در جهت رضای خدا قرار داشته و باعمل به قرآن از خوبان و رستگاران باشیم.

توضیح آنکه: ۱ـ در شریعت اسلام انسان‌ها در اَعمالِ خود به ویـژه در صدور دستور جنگ و در تعیین مجازاتِ خطاکاران نباید از خداوند و رسول او پیشی بگیرند و مجازاتی سنگین‌تر از آنچه در قـرآن کـریم تصریح گردیده است برای افرادِ مُجرم معیّن‌کنند: «**لاتُقَدِّمُوابَیْنَ یَـدَیِ الله وَرَسُولِه** ... - از خدا و رسول او پیشی نگیرید (۱ حجرات)... **مَنْ لَـمْ یَحْکُـمْ بِماأَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْکافِرونْ** -... **مَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِمـاأَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئـکَ هُـمُ**

الظّالمون- ... وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما اَنْزَلَ اللهُ فَاُولَئِکَ هُمُ الْفاسِقون- طبق کتاب هدایت خدا قضاوت و رفتار نمایید تا از کافران، ظالمان و فاسقان محسوب نگردید (٤٤ و ٤٥ و ٤٧ مائده)»...

۲ـ علیرغم آن‌که قرآن به اعدامِ مرتکبین غیرحرفه‌ای یا غیرمفسد بزه‌های زنا و لواط دستور نداده و مجازات خاصّی نیز برای مرتکبِ شُربِ خَمر مقرر نکرده است، بعضی افراد و جمعیّت‌ها مجازاتِ اعدام برای مرتکبین بزه‌های زنا و لواط و نیز مجازات ۸۰ ضربه شلاق برای مرتکب بزه شرب مُسکر، و بعضی مجازات‌های دیگر که قرآن مجید بر لزوم آن‌ها نیز تصریح نفرموده مانند اعدام برای سبّ النّبی را بهانه‌ای جهت تخطئه دین مبین اسلام قرار داده‌اند و با بیان این‌که مجازات‌های مذکور غیرعادلانه، خشن و خلاف حقوق بشر می‌باشد حقّانیّت قرآن را درانظار جهانیان مخدوش جلوه می‌دهند (**موضوع قسمت‌هائی از مواد ۸۲ تا ١٢٦ و مواد ١٧٤ و ٥١٣ قانون مجازات مصوّب دهه ١٣٧٠**) درحالی‌که قرآن ضمن تأکید به تقویت تقوا، پیروان خود را به عدالت ومیانه‌رَوی و اجتناب از سخت‌گیری‌های جبّارانه امرفرموده وخواسته است مانند اقوامی همچون قوم عاد نباشیم که درآیه ۱۳۰ سوره شعرا با خطاب: «**وَاِذابَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبّارین**» مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، و تقوای الهی نیز اقتضا می‌کند که برای خودداری از ظلم، اگر ابهامی وجود دارد آنرا به نفع افراد متهم

تفسیر نمائیم و نیز تا جرم هر متهم با دلائل کافی و یقین‌آور به اثبات نرسیده است او را مجرم نخوانیم... البته قرآن تمام جرائمی را که در موقعیت‌های گوناگون وقوع می‌یابند نام نبرده، ولی با نشان دادن خط‌مشی کلی و مشخص نمودن نمونه‌هائی ازجرائم و مجازات آنها، روش تشخیص جرم و نحوه تعیین مجازات عادلانه را ضمن دستورالعملهای لازم تبیین نموده است.

۳- جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن مشخص شده است:

۱- زنا و لواط

۲- محاربه با خدا و رسول و افساد فی‌الارض و قتل عمد

۳- قذف یا رمی بهتان زنا

٤- سرقت

۵- ایراد صدمه عمدی به بدن دیگران

٦- قتل غیر عمد

۷- شکستن عهد وسوگند

۸- ظهار

۹- نشوز زوجه

۱۰- شکار حیوانات صحرائی در حال احرام

۱۱- شرک ورزی به خدا در داخل مسجد

۳/۱- کیفر قرآنی زنا و لواط:

طبق آیه ۲ سوره نورکه می‌فرماید: «الزّانیةُ وَالزّانی فَاجْلِدوا کُلَّ واحدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ ولا تَأخُذْکُمْ بِهِما رَأفَةٌ فی دینِ اللهِ...» مجازات افراد زناکار

صد ضربه شلاق می‌باشد و عندالاقتضا، به ویژه اگر زانیه شوهردار باشد به تجویز آیاتی نظیر آیه ۱۵ و ١٦ سوره نساء: «**وَالّاتی یَأتینَ الْفاحِشَةَ مِنْ نِسائِکُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْکُمْ فَإنْ شَهِدُوا فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتَّی یَتَوَفَّهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ یَجْعَلَ اللهُ لَهُنَّ سَبیلا** (۱۵) **وَالَّذانِ یَأْتِیانِها مِنْکُمْ فَآذُوهُما فَإنْ تابا وَأَصْلَحا فَأَعْرِضُوا عَنْهُما إنَّ اللهَ کانَ تَوّاباً رَحیما**(١٦)». اضافه بر محکومیت به تحمّل شلاق می‌توان هر یک از زانیه و زانی را مدتی در محل مناسبی زندانی نمود تا هم شاکی تسکین یابد و هم فردِ مجرم با فراگیری مفاهیم قرآن تربیت و اصلاح شود، و مرتکبین لواط و بعضی دیگر از برقرارکنندگان روابط نامشروع نیز طبق آیات ۱۵ و ١٦ فوق‌الذکر می‌باید مورد اذیّت یا مجازات‌هائی از قبیل حبس، شلّاق و تبعـید قرار گیرند تا توبه نموده و اصلاح گردند. و در تکمیل کیفرهای مذکور به دلالت آیاتی مانند آیه ۱۹ سوره نساء که استرداد بعضی از آنچه به زوجه داده شده را ممنوع فرموده مگر هنگامی که مشارٌالیها مرتکب عملی ناشایست شود: «**...وَلا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُنَّ إلّا أنْ یَأْتینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ...**» همسر شخصی که مرتکب زنا یا لواط گردیده است می‌تواند خسارتی عادلانه از زوجه یا زوج خطاکار خویش دریافت نماید و اگر خواهان طلاق نیز باشد در صورتی‌که شخصاً به

زنا یا لواط آلودگی نداشته و پاک باشد با استناد به آیات ۳ و ۲٦ سوره نور که زناکار و ناپاک را فاقد شایستگی جهت همسریِ شخص پاک معرفی می‌نماید می‌تواند برای جدائی از همسر ناپاکش از تسهیلاتی ویژه استفاده و او را از زندگی خود خارج نماید: «**اَلزّانی لا یَنْکِحُ اِلّا زانیَة وَمُشْرِکَةً وَالزّانیةُ لا یَنکحُها اِلّا زانٍ اَو مُشْرِک وَحُرِّمَ ذالک عَلَی الْمُؤْمِنینَ**- **مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرکه نکاح نکند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به نکاح خود درنیاورد و این‌کار بر مؤمنین حرام است(۳)** **اَلْخَبیثاتُ لِلْخَبیثینَ وَالْخَبیثونَ لِلْخَبیثاتِ وَالطَّیّباتُ لِلطَّیّبینَ وَالطَّیّبونَ لِلطَّیّباتِ... - زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک ...(۲٦)» و ...**

تبصره- به موجب آیه ۲۵ سوره نساء که می‌فرماید: «**...فَاذا اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَیْنَ بِفاحِشَةٍ فَعَلَیهِنَّ نِصْفُ ما عَلَی الْمُحْصَناتِ مِنَ الْعَذاب...**» کیفر کنیزان شوهرداری که مرتکب زنا و دیگر روابط نامشروع می‌شوند نصف کیفر زنانِ آزادِ شوهرداری می‌باشد که مرتکب آن جرائم می‌گردند.

تذکر: به بیان ماده ۸۲ قانون مجازات مصوب دهه ۱۳۷۰: «**حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن** (دارای همسر) **و غیرمحصن نیست: الف - زنا با محارم نسبی. ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است. ج - زنای غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب**

قتل زانی است. د– زنای به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه‌کننده است». و به بیان ماده ۸۳ : «حد زنا درموارد زیر رجم است: الف – زنای مرد محصن ... ب – زنای زن محصنه با مرد بالغ ...» و به بیان ماده ۸۸ : «حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است.» و به بیان ماده ۹۰ : «هرگاه زن یا مردی (که مجرد است و یا در وضعیت تجرد قرار دارد) چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد (تازیانه) بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود».

و بموجب ماده ۱۰۸: «لواط وطی انسان مذکر است چه بصورت دخول باشد یا تفخیذ» و طبق ماده ۱۰۹: «فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد» و بموجب ماده ۱۱۰: «حد لواط در صورت دخول قتل است ...» و بموجب ماده ۱۱۱: «لواط در صورتی موجب قتل می شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند» و بموجب ماده ۱۱۲: «هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷٤ ضربه شلاق تعزیر می‌شود» و طبق ماده ۱۱۳: «هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷٤ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد» و بموجب ماده ۱۲۱و تبصره ذیل آن: «حد تفخیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هریک صد تازیانه است. و در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است» و بموجب

ماده ۱۲۲ قانون فوق الذکر: «اگر تفخیذ و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است.».

۳/۲- اعدام مجازاتی است برای محاربه با خدا و رسول و افساد فی‌الارض و قتل عمد:

به موجب آیاتی نظیر آیه‌های ۳۳ و ۳٤ سوره مائده: «اِنَّما جَزاؤُا الَّذینَ یُحارِبونَ اللهَ وَرَسولَهُ وَیَسْعَونَ فِی الأَرْضِ فَساداً اَنْ یُقَتَّلوا اَوْ یُصَلَّبوا اَوْ تُقَطَّعَ اَیْدیهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ اَوْ یُنْفَوا مِنَ الْاَرْضِ ذلِکَ لَهُمْ خِزْیٌ فِی الدُّنیا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظیم (۳۳) اِلَّا الَّذینَ تابوا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقدِرُوا عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحیم(۳٤)» کسانی‌که با کارهای حرامی مانند قیام مسلّحانه علیه قرآن و احکام آن مرتکب محاربه با خدا و رسول او شوند و برای ایجاد فساد در زمین تلاش نمایند، اگر قبل از آن‌که مورد تعقیب قرار گیرند توبه نکرده باشند، مجازات آنان یا اعدام یا آویخته شدن به صلیب یا قطع دست و پا و یا نفی بلد است و به موجب آیاتی نظیر آیه ۱۷۸ سوره بقره: «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلَی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثی بِالْاُنْثی فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ اَخیهِ شَیْءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْروفِ وَاَداءٌ اِلَیْهِ بِاِحْسانٍ ذلِکَ تَخْفیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدی بَعْدَ ذلِکَ فَلَهُ عَذابٌ اَلیم»

کسی‌که به‌طور عمد و به ناروا انسانی بی‌تقصیر را بکشد در صورت نبودِ جهتی برای تخفیف مجازاتِ او، مجازاتش اعدام می‌باشد. اما مرتکبِ یک‌بار زنا یا لواط و حتّی کسی که یک بار مرتکب بزه اهانت به نبی عالیقدر اسلام (ص) شده اگر تلاشی برای گسترش فساد در اجتماع به عمل نیاورده و یا علیه حکومت قرآن جنگ ننموده است به نظر نمی‌رسد که محارب و مفسد فی‌الارضی محسوب شود که به موجب آیات فوق‌الاشعار، اعدام وی امکان‌پذیر باشد و قانون‌گذار محترم ایران نیز با آن‌که اعدام را برای بزه‌های مذکور منظور داشته است در مقام تعریف بزه محاربه و افساد فی‌الارض، بزه‌های سبّ النّبی، لواط و زنا را از مصادیق محاربه و افساد فی‌الارض محسوب ننموده است.

۳/۲/۱- بزه محاربه و افساد فی‌الارض در قانون مجازات:

در ماده ۱۸۳ «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی‌الارض می‌باشد...» و در ماده ۱۸۵ « سارق مسلّح و قطّاع‌الطّریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.» و در ماده۱۸۶ «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام

که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیّت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیّت و تلاش مؤثّر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند...» و در ماده ۱۸۷ **«هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثّر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آن‌ها بگذارند محارب و مفسد فی‌الارض می‌باشند.»** و در ماده ۱۸۸ **«هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی موثّر باشد، محارب و مفسد فی‌الارض است.»**.

۳/۲/۲- مصادیقی قرآنی از بزه محاربه و افساد فی‌الارض (توأم با بیان بعضی اهداف حجاب)

الف: باتوجه به آیاتی مانند آیه های ۵۷ الی ٦۲ سوره احزاب، اگر کسی بی‌اعتناء به بعضی آموزش‌های قرآن کریم، با تکرار کارهای مجرمانه‌ای از قبیل ایجاد مزاحمت برای بانوان با تقوا و نشر اکاذیبی که موجب بدنام شدن افراد خوب است سبب ناامنی یا فساد محیط و یا موجب آزار برخی مؤمنین به قرآن باشد و اقدامات پیش‌گیرانه و

مجازات‌های تأدیبی و بازدارنده نیز در مورد او مؤثـــر واقع نشود و به تکرار رفتار ظالمانه ادامه داده، زیان او برای جامعه قرآنی و بندگان صالح خدا با زیان مرتکب محاربه و افساد فی‌الارض برابری کند، چنین فرد مفسدی را دادگاه می‌تواند از محاربه کنندگان یا در حکم محاربه کننده با خدا و رسول به حساب آورد و برای سالم‌سازی محیط زندگی به مجازات اعدام محکوم نماید: «انّ الّذین یُؤذون اللهَ و رسولَهُ لعنهم الله فی الدّنیا و الآخرة و اعدّ لهم عذاباً مهینا(۵۷) والّذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبینا (۵۸) یا ایّها النّبیّ قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یُدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیما (۵۹) لئن لم ینته المنافقون و الّذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنغرینّک بهم ثمّ لا یجاورونک فیها الّا قلیلا(۶۰) ملعونین اینما ثقفوا اُخذوا و قتّلوا تقتیلا(۶۱) سنّة الله فی الّذین خلوا من قبل و لن تجد لسنّة الله تبدیلا(۶۲)- همانا کسانی که خدا و پیامبرش را می‌رنجانند خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور می‌سازد و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است (۵۷) و کسانی که مردان وزنان با ایمان را (به ناحق و) به خاطر کار بدی که نکرده‌اند آزار می‌دهند بهتان و گناه آشکاری را حمل می‌کنند (۵۸) ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که از جَلباب‌های خود (یا لباس‌های رویی که سر را پوشیده و نقاط هوس‌انگیز و

برجستگی‌های تحریک‌کننده بدن را پنهان می‌دارند) بر خویشتن بپوشانند این نزدیک‌تر است به این که (به داشتن ایمان و به پرهیزگاری) شناخته شوند (با پوشش و رفتار مناسب از تحریک شهوت و از برانگیخته شدن طمع مردم نسبت به خود جلوگیری کنند) تا مورد اذیّت (دو رویان و بیماردلان) واقع نشوند، و (از آنجا که) خداوند آمرزنده و مهربان است (علاوه بر استفاده از امنیت و مصونیّتی که پوشش مورد نظر ایجاد می‌کند با رعایت تقوای خداوند هرچه بیشتر از بخشایش و رحمت او برخوردار شوند) (۵۹) اگر منافقین و بیمار دلان و مُرْجِفون در مدینه (از اعمال ظالمانه‌ای که سبب رجفه یا تشنّج و نگرانی در بین مردم است) باز نایستند تو را بر آن‌ها میگماریم تا جز اندکی نزدیکت در شهر باقی نمانند(۶۰) لعنت شدگان (که نفرت عمومی علیه ایشان است) هر کجا یافت شوند دستگیر (محاکمه) و کشته شوند، کشته شدنی عادلانه(۶۱) این سنّت خداوند است در آنان که از پیش گذشتند و هرگز در سنّت خدا دگرگونی نخواهی یافت (۶۲ سوره احزاب)».

ب: با توجه به آیاتی نظیر آیه‌های ۸۸ تا ۹۱ سوره نساء هر منافقی که به سبب دشمنی و مخالفت با قرآن مجید با مسلمانان جنگ نماید، هم‌چنین هر شخص فتنه جوئی که انسان‌ها را بدون مجوّز قرآنی مورد تعرّض و تعدّی قرار داده موجب سلب آزادی و امنیّت آنان باشد، می‌توان به اتهام محاربه با خدا و رسول و ایجاد فساد در زمین محاکمه وبه مجازات اعدام محکوم نمود: «**فَمَالَكُمْ فِى الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللهُ أَرْكَسَهُمْ**

بِما كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلاً (۸۸) وَ
دُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَما كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَواءً فَلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِياءَ حَتَّى يُهاجِرُوا
فِي سَبِيلِ اللهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَ
لِيّاً وَلا نَصِيراً (۸۹) إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثاقٌ أَوْ جاؤُكُمْ حَصِرَتْ
صُدُورُهُمْ أَنْ يُقاتِلُوكُمْ أَوْ يُقاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شاءَ اللهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقاتَلُوكُمْ
فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَما جَعَلَ اللهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً (۹۰)

چرا در مورد منافقان دو گروه شده‌اید و حال آن که خدا آنان را به سبب کردارشان مردود ساخته است، آیا می‌خواهید کسی را که خدا (به‌طور ضابطه‌مند) گمراه کرده است هدایت کنید؟ و هرکه را (که نخواهد با قرآن هدایت شود و او را) خدا گمراه نماید هرگز راهی برای (هدایت) او نخواهی یافت (۸۸) دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می‌روند شما نیز کفر ورزیده همانند آنان باشید، پس با آنان دوستی نکنید تا در راه خدا هجرت نمایند پس اگر (در جهت کمک به نیروهای کفّار و مشرکین حربی، به اسلام) پشت کردند (علاوه بر آن‌که باید) از آن‌ها یار و یاور اختیار نکنید، می‌باید هر کجا آنان را یافتید دستگیر (محاکمه) و به قتل برسانید (۸۹) به جز آنان که به قومی می‌پیوندند که میان شما و آن قوم پیمان وجود دارد، یا در حالی که از جنگیدن با قوم خود دلتنگ شده باشند نزد شما بیایند، و اگر خدا می‌خواست آنان را بر شما تسلّط می‌داد تا با شما جنگ کنند، پس اگر از تعرّض به شما

خودداری کردند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند، در این حالت خدا راهی برای تعرّض به آنان برای شما قرارنداده است(۹۰) **سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ اَنْ يَاْمَنُوكُمْ وَيَاْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدّوا اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكِسُوا فيها فَاِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا اَيدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ...**- به زودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما و از قوم خود درامان باشند ولی هرگاه به فتنه‌ای خوانده شوند درآن سرنگون می‌شوند (وسعی خود را برای ایجاد فساد به‌کار می‌برند) پس اگر از ایجاد فتنه و فساد علیه شما خودداری نکردند و به شما پیشنهاد صلح و سازش ندادند و از تجاوزات ظالمانه باز نایستادند، ایشان را هرکجا یافتید دستگیر (محاکمه) و به قتل برسانید...(۹۱ نساء)».

۳/۳ هشتاد ضربه شلاق: کیفرقذف- یارمی بهتان زنا:

خداوند متعال در آیات ٤ و ٥ سوره نور با بیان: «**وَالَّذينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانينَ جَلْدَةً وَلا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَداً وَاُولَئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ - اِلَّا الَّذينَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَاَصْلَحُوا فَاِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحيم**» برای کیفر افراد بی تقوائی که زنان عفیف را به زنا متهم می‌کنند و در اثبات ادعای خود چهار شاهد معرفی نمی‌نمایند، هشتاد ضربه شلاق مقرر فرموده است، تا اگر بعد از بهتانی که زده‌اند

توبه نکرده، با جبران گناه خـویش بـه صـلاح درنیامـده باشـند ضـمن محرومیت از قبول شهادت، مجازات مذکور را تحمّل نمایند.

شایان ذکر آن که قانونگذار محترم طی مـواد ۱۳۹ تـا ١٦٤ قـانون مجازات، در ماده ۱۳۹ نسبت دادن زنا یا لـواط بـه اشـخاص را قـذف نامیده است و در ماده ۱٤۰ و دو تبصره آن بیان داشته: «**حد قذف بـرای قذف‌کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است. تبصره ۱- اجرای حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است. تبصره ۲- هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لـواط، ماننـد مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا ۷٤ ضـربه محکوم خواهد شد.**» و در ماده ١٤٥ بیان نموده اسـت: «**هـر دشـنامی کـه باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کـسی بـه زنـش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیـت گوینـده بـه شـلاق تـا ۷٤ ضـربه می‌شود.**» و در ماده ١٤٦ بیان کرده: «**قذف در مواردی موجب حد می‌شـود که قذف‌کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عفیف باشـد...**» و در مـاده ۱۵۷ قـانون مـذکور بیـان داشته اسـت: «**هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بارحد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود.**»

۳/٤- قطع دست: کیفر سارق

سوره مائده، آیات کریمـه ۳۸ و ۳۹: «**وَالسّارِقُ وَالسّارِقَةُ فَاقْطَعُوا**

اَيْدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً مِنَ اللهِ وَاللهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸) فَمَنْ تابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۹) دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر گناهی که کرده‌اند ببرید، این عقوبتی است از جانب خدا، خدا قدرتمند و حکیم است(۳۸) پس کسی که بعد از ظلمش توبه کند و با جبران گناه خود به صلاح درآید خدا او را خواهد بخشید، خدا آمرزنده و مهربان است».

کیفر سارقی که بعد از ربودن اموال دیگران پشیمان نمی‌شود و نمی‌خواهد ظلم خویش را جبران کند آنست که دست او بریده شود. و اگر سارق به سبب نحوه سرقت یا به علت تکرار جرمْ محارب و مفسد فی‌الارض محسوب شود در آن صورت به مجازات محارب و مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد[1].

البته باید توجه داشت که خداوند اگر در یک آیه به بریدن دست سارق دستور داده است در آیات متعدّد به انفاق[2]، پرداخت زکاة[3]، دادن صدقه[4] و قرض‌الحسنه[5] امر فرموده و با قرار دادن ثروت‌های عمومی و بیت‌المال اعم از انفال[6]، و بسیاری از وجوهاتی نظیر خمس[7] و زکاة در اختیار رسول خود، و بعد از رسول(ص) با قرار دادن آن‌ها در اختیار حکومت‌های مؤمنِ عادل[8] مردمی[9]، خواسته است به امامتِ قرآن[10] و در جهت اجرای عدالت[11] و تأمین امنیّت و

رفاه عمومی[۱۲]، ضمن به کیفر رساندن شخص مجرم، برای تقلیل بیکاری، فقرمالی، جهل وضعفِ ایمان وتقوا[۱۳] تلاش وسرمایه‌گذاری کنیم و رفع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و آموزش و پرورش را از اهمّ اهداف خود قرار داده و در مسیری باشیم که از نظر رشد معنوی و مادّی سرآمد امّت‌ها گردیم[۱۴].

۳/٤/۱ - نمونه‌هایی از آیات مورد استناد در رابطه با مبحث سرقت:

۳/٤/۱/۱- اگر سارق به سبب نحوه سرقت یا به علت تکرار جرمْ محارب و مفسد فی‌الارض محسوب شود، در آنصورت می‌توان او را به استناد آیات ۳۳ و ۳٤ سوره مائده به مجازات محارب و مفسد فی‌الارض محکوم نمود:

«اِنَّما جَزاءُ الَّذینَ یُحارِبُونَ اللهَ وَرَسُولَهُ وَیَسْعَونَ فِی الْاَرْضِ فَساداً اَنْ یُقَتَّلوا اَو یُصَلَّبوا اَو تُقَطَّعَ اَیدیهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ اَوْ یُنْفَوا مِنَ الْاَرْضِ ذلِکَ لَهُمْ خِزْیٌ فِی الدُّنْیا وَلَهُمْ فِی الْاَخِرَةِ عَذابٌ عَظیم (۳۳ مائده) اِلّاالَّذینَ تابوا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقْدِروا فَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ غَفورٌ رَحیمٌ - کیفر کسانی که با خدا و رسولش می‌جنگند و

سعی‌شان آنست که در زمین فساد کنند آنست که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند یا یک دست و یک پای آنان از خلاف یکدیگر قطع شود یا از زمین رانده شوند، این برای ایشان خواری‌ایست در دنیا و ایشان را در آخرت عذابی عظیم است (۳۳) مگر آنان‌که پیش از دست‌یابی برایشان توبه کنند، پس بدانید خداوند آمرزنده و مهربان است (۳٤ مائده)».

۳/٤/۱/۲- بعضی حقایق و راهکارهای مهم وضرورت انفاق:

«یاایُّهَاالَّذینَ ءَامَنُوا اَنْفِقوا مِمّا رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ یاتِیَ یَومٌ لابَیْعٌ فیهِ ولاخُلَّةٌ ولاشَفاعَةٌ... - ای‌کسانی‌که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که نه خرید و فروش در آن است و نه رابطه دوستی و نه شفاعت... (۲۵٤ بقره)- والَّذینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقاموا الصَّلَوةَ وَاَمْرُهُمْ شُورَی بَیْنَهُمْ وَمِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ- و (از مؤمنین اهل توکل به خدا و آنان که نزد خداوند پاداشی نیکو و باقی ماندنی خواهند داشت) آنانند که به پروردگار خویش پاسخ مثبت داده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و امر آنها (بویژه در اداره کشور) به طریق شورا (و مشارکت و مشورت با یکدیگر) صورت می‌گیرد و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند (۳۸ شورا)».

۳/٤/۱/۳- لزوم پرداخت زکات و توجه به اینکه نحوه پرداخت زکات (اعم از مالیات حکومت اسلامی و کمک به افراد جامعه) نشان‌دهنده میزان ایمان پرداخت‌کننده آن است:

«...وَلَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ- خدا یاری می‌کند کسی را که (با متابعت از حقّ و دفاع از عدالت، بطور مالی یا جانی در اجرای قوانین واقعی شرع) او را یاری نماید، خدا توانا و عزتمند است (٤۰ حج) اَلَّذِينَ اِنْ مَكَّنّاهُمْ فِى الْاَرْضِ اَقاموا الصَّلوةَ وَآتَوُا الزَّكوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ...- کسانی که اگر آنان را در زمین مکنت دهیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به خوبی و نهی از بدی می‌کنند... (٤۱ حج)- اِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَهُمْ راكِعُونَ - جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و آنان‌که ایمان آوردند، آنان که برپا می دارند نماز را و می‌پردازند زکات را و ایشان رکوع‌کنندگانند (۵۵ مائده)» .

طبق آیاتی نظیر آیه ۵۵ فوق‌الذکر، از نشانه های مومن اصیل آنست که نه تنها زکات خود را بموقع و کامل پرداخت می‌کند، زکات وی هر مقدار زیاد هم باشد آنرا در مقابل احسان و نعمتهای خدا اندک می‌بیند و مانند بدهکاری شرمنده، با طیب خاطر و متواضعانه بحالت خمیده

زکات می‌دهد.

۳/٤/۱/٤- در رابطه با پرداخت صدقه:

«لاخَیْرَفی کثیرٍمن نَجْواهُمْ اِلّامَنْ اَمَرَبِصَدَقَةٍاَوْمَعْرُوفٍ اَوْاِصلاحٍ بَیْنَ النّاسِ... - در بسیاری از نجواها خیری نیست، مگر برای کسی که به صدقه دادن یا نیکی کردن و یا اصلاح نمودن بین مردم توصیه نماید... (۱۱٤ نساء)» و ...

۳/٤/۱/٥- درخصوص قرض الحسنه:

«مَنْ ذَاالَّذی یُقْرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ اَضْعافاً کثیرةً...- کیست به خدا قرض‌الحسنه دهد تا خدا آن را برایش چندین برابر کند... (۲٤٥ بقره)- ... واَقیمُوا الصَّلوةَ وَءَاتوا الزَّکاةَ واَقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً...- و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و وام دهید خدا را وامی نیکو...(۲۰ مزمل)» و...

۳/٤/۱/٦- در مورد انفال :

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْاَنْفالِ قُلِ الْاَنْفالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ...- ای رسول از تو راجع به انفال (یا اموال اضافی که فاقد مالک خصوصی می‌باشد) سؤال می‌کنند، بگو انفال برای خدا و رسول است (۱ سوره انفال) ماأَفاءَاللهُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْ اَهْلِ الْقُرَی فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذی الْقُرْبَی وَالْیَتامَی وَالْمَساکینِ وَابْنِ السَّبیلِ کَیْ لایَکُونَ دُولَةً بینَ الْاَغْنیاءِ مِنْکُمْ وَماءَاتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمانَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا... -

خداوند آنچه را از انفال به رسولش از اهل آبادی‌ها ارزانی داشت از برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و درماندگان و راه‌گذران است تا (با مصرف آن‌ها در کارهای اساسی و بین نیازمندان جامعه) میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد... (۷ حشر)».

۳/٤/۱/۷- آیه مربوط به خمس و موارد مصرف آن :

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...- و بدانید آنچه غنیمت بدست آورده‌اید خمس آن (مانند انفال) از برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و درماندگان و راه‌گذران است... (٤۱ انفال)».

تبصره (درخصوص خمس): باتوجه به وضعیت موجود و اینکه سازمان‌های مسئول ساماندهی ایتام و محرومین کشور برای انجام مسئولیت‌های خود فاقد امکانات کافی می‌باشند و در اکثر شهرستان‌ها برای نگهداری مجانین، مجرمین غیرمسئول، ایتام و سایر محجورین بی‌سرپرست و اطفال و زنانی که به علت اختلافات خانوادگی و طلاق ولگرد وخیابانی شده‌اند مکانی وجود ندارد و کم توجهی به مسئله نگهداری، آموزش و اشتغال محجورین و محرومین سبب افزایش جرائم، مفاسد و ناامنی جامعه است، در صورتی‌که مراجع قانونی

مسئول، نظیر سازمان بهزیستی و کمیته امداد، با موافقت ونظارت مسئولین رده بالای کشور، ضمن تبلیغ اهداف، برنامه‌ها وعملکرد خویش، افراد ملت را تشویق به انجام حکم منعکسه در آیه کریمه ٤١ سوره انفال و واریز خمس شرعی به حساب بانکی آن سازمان‌ها نموده، با تهیه املاک، آموزشگاه‌ها و کارگاه‌های مجهز و کافی در مناطق مختلف کشور، وجوه دریافتی را جهت نگهداری- آموزش- اشتغال و تأمین آتیه محجورین و محرومین هزینه و سرمایه‌گذاری کنند علاوه بر آنکه در رفع مشکلات موجود و در مبارزه با مفاسد و پیشگیری از جرائم مؤثر می‌باشد، برای امنیت، رفاه و تعالی مردم و سربلندی قرآن و تحکیم نظام اسلامی سودمند خواهد بود.

٣/٤/١/٨- وجوب عدالت‌ورزی حاکمان براساس آموزشهای قرآن:

«...قُل ءَامَنْتُ بِما اَنْزَلَ اللهُ مِنْ كتابٍ وَاُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُم...- بگو ایمان آوردم بدانچه فرستاد خدا از کتاب و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم... (۱۵ شوری)» و...

٣/٤/١/٩- وجوب اطاعت از سرپرستان امور، در حدود وظیفه ومسئولیت آنان - باید تا جائی که برخلاف آموزشهای قرآن و سنّت رسول خدا نباشد از مسئولینی که در مصدر کارها قرار داده‌ایم اطاعت نمائیم تا همه امورما بخوبی انجام پذیرد:

«یاایُّهاالَّذینَ ءامَنُوااَطیعُوااللهَ وَاَطیعُواالرَّسُولَ وَاُولِی الْاَمْرِمِنْکُمْ فَاِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیئٍ فَرُدُّوهُ اِلَی اللهِ وَالرَّسولِ... - ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را و اولیاء امر از خودتان را و اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به (قرآن) خدا و (سنت قرآنی) رسول ارجاع دهید...(۵۹ نساء)» و...

٣/٤/١/١٠- باید به امامت قرآن برای اصلاح امور فردی و اجتماعی تلاش کرد:

«اِتَّبِعُوامااُنْزِلَ اِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَلاتَتَّبِعُوامِنْ دُونِه... - از آنچه ازطرف پروردگارتان بر شما نازل شده است پیروی کنید و غیر از آن را پیروی نکنید... (۳ اعراف)- وَهَذاکِتابٌ اَنْزَلْناهُ مُبارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ ...- و این کتابی است پر برکت و سرچشمه خیرات و نیکی‌ها، پس از آن پیروی کنید... (۱۵۵ انعام)-

اِنْ اَتَّبِعُ اِلّامایوحَی اِلَیَّ...- (مَن رسول هم) از چیزی جز آنچه به من وحی کرده شد پیروی نمی‌کنم... (۵۰ انعام) ... مِن قَبْلِهِ کتابُ موسی اِماماً وَرَحْمَةً ... – از پیش از قران کتاب موسی امام و رحمت بود ... (۱۲ احقاف و ۱۷ هود)».

۳/٤/۱/۱۱- می‌باید عدالت را در کلیه زمینه‌ها برقرار نمائیم تا انگیزه‌ای قابل توجیه برای ارتکاب جرایمی نظیر سرقت باقی نماند:

«لَقَدْ اَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَاَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ... – همانا فرستادیم رسولانمان را با دلائل روشن و نازل کردیم با آنان کتاب و میزان را تا مردم به عدالت قیام کنند...(۲۵ حدید)» و ...

۳/٤/۱/۱۲- خداوند برای بندگان خود امنیت و رفاه را می‌پسندد:

«...یُریدُاللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَلایُریدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ... – خداوند راحتی شما را می‌خواهد و ناراحتی شما را نمی‌خواهد ... (۱۸۵ بقره)- ...مایُریدُاللهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ ...- خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا قرار دهد (٦ مائده) وَلَوْاَنَّ اَهْلَ الْقُرَی ءامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْاَرْضِ وَلکِنْ

كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ- اگراهل قریه‌ها ایمان آورده واز نافرمانی پرهیز کرده بودند هرآینه گشاده بودیم بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین، ولکن تکذیب کردند پس گرفتیم ایشان را به آنچه کسب می‌کردند (۹٦ اعراف)» و ...

۳/٤/۱/۱۳- هرچه تقوای مؤمنین به قرآن افزایش یابد، تدبّر و دقّت آنان در این کتاب الهی بیشتر می‌شود و در نتیجه بد و خوب را بهتر تشخیص می‌دهند و ضمن دوری بیشتر از ارتکاب جرائم، سعی ایشان برای اصلاح خود و امور جامعه افزایش می یابد :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّاتِكُمْ...- ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید اگرتقوای خدا را داشته (از نافرمانی او بیمناک بوده و بخواهید طبق نظر خدا خوب) باشید برای شما (قرآن را) وسیله تشخیص حق و باطل قرار می‌دهد و (به این وسیله) بدی‌هایتان را می‌زداید... (۲۹ انفال)» و ...

(امید است با مطالعه دقیق قرآن و تفکـّر در پدیده‌های جهان قلب‌هایمان در برابر عظمت خدا نرم و خاشع شود و از بیم آن که مبادا موجب ناخشنودی خدا، یا مستوجب عذاب ناشی از نافرمانی او شویم،

قرآن را مرجع و امام خود قرار دهیم و در اثر آشنایی با مفاهیم و ضوابط آن، خیر و شر، و حق و باطل را به درستی تشخیص داده و در اجتناب از عقاید، گفتار و اعمال خلاف حق موفق باشیم.)

٣/٤/١/١٤- مسلمانان باید از لحاظ رشد، سرآمد امتها باشند:

«...انْ یَکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صابِرُونَ یَغْلِبُوا مِاءَتَیْنِ وَانْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوا اَلفاً مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا بِاَنَّهُمْ قَومٌ لایَفْقَهُون - به سبب آن که دشمنان شما نسبت به حق کافر و مردمانی ناشکیبا و کم فهمند، اگر از شما بیست نفر با استقامت باشند بر دویست نفر آنان غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر ایشان غلبه خواهند کرد (٦٥ انفال)» و ...

ما مسلمانان می‌باید با فهم قرآن وعمل به‌آن، ازبهترین تدبیرکنندگان امور«**فَالْمُدَبِّراتِ اَمْراً** (٥ نازعات)» و از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی الگوی رشد و پیشرفت سایر ملت‌ها و به عنوان بهترین امت «**کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاس...**- (١١٠ آل عمران)» شاهد و معرّف حقّانیت قرآن نزد جهانیان بوده «**...تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ...** (٧٨ حج)» از نظر دفاعی آنچنان قوی و مجهّز باشیم که دشمن جرأت تجاوز به حقوق ما را نداشته باشد «**وَاَعِدّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّکُمْ وَآخَرینَ مِنْ دُونِهِمْ ...** (٦٠ انفال)».

۳/٤/۲ - بزه سرقت در قانون مجازات ایران:

بزه سرقت از جرایم عمدیست و یکی از ارکان تشکیل‌دهنده آن سوءنیت مجرمانه می‌باشد. قانون مجازات ایران در باب هشتم کتاب حدود شامل مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳، در تعریف سرقت بیان داشته: «سرقت **عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی**» و در مواد ۱۹۸ و ۲۰۰ درصورتی حکم قطع ید یا حدّ را قابل صدور می‌داند که سارق: بالغ، عاقل، مختار، قاصد و غیرمضطر باشد و بداند که مال غیر را به ناحق و به عنوان دزدی می‌رباید و مال نیز در حرز مناسبی نگهداری شده باشد و محل نگهداری آن هم از سارق غصب نشده باشد و نیز ارزش مال مسروقه در هر بار سرقت کمتر از ٤/٥ نخود طلای مسکوک نباشد همچنین مال متعلق به فرزند سارق و یا از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد و سرقت در سال قحطی هم صورت نگرفته یا سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر نشده و نیز سارق پس از سرقت مال را تحت ید مالک قرار نداده باشد و علاوه بر کلیّه شرایط مذکور صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کرده و قبل از شکایت هم نه مال را به سارق بخشیده و نه سارق را بخشیده باشد و مال مسروقه نیز قبل از ثبوت جرم از راه خرید و مانند آن به

ملک سارق در نیامده و یا سارق قبل از ثبوت سرقت توبه نکرده باشد.

توضیح آن که قانونگذار محترم در ماده ۲۰۱، حدّ سرقت را در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن، و در مرتبه دوم قطع نصف کف پای چپ و در مرتبه سوم حبس ابد، و در مرتبه چهارم اعدام می‌داند. و در ماده ۲۰۳ سرقتی را که فاقد شرایط اجرای حدّ باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران باشد موجب یک تا پنج سال حبس دانسته است. و در فصل بیست و یکم کتاب تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده شامل مواد ٦٥١ تا ٦٦٧ برای بسیاری از اقسام سرقت مجازات حبس و شلاق تعیین نموده است.

۳/۵- قصاص عضو: کیفر کسی که عمداً و به ناحق به بدن دیگران صدمه می‌زند

باتوجه به آیاتی نظیرآیه ٤٥ سوره مائده: «**وَكَتَبْنا عَلَيْهِمْ فيها اَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْاَنْفَ بِالْاَنْفِ وَالْاُذُنَ بِالْاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُروحَ قِصاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما اَنْزَلَ اللهُ فَاُولئِكَ هُمُ الظّالِمونَ**

- مقرر کردیم برایشان در تورات، که انسان در برابر انسان است و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر

دندان و در جراحت‌ها قصاص است. پس کسی که تصدّق کند به آن، پس آن زداینده گناه اوست و کسانی که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکنند هم آنان ظالم می‌باشند» و آیه ۱۲۶ سوره نحل: «وَاِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبوا بِمِثْلِ ماعُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيرٌ لِلصّابِرين - اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید. ولی اگر شکیبایی پیشه کنید این کار برای شکیبایان بهتراست» و آیه ٤٠ سوره شوری: «وَجَزاؤُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهُ عَلَى اللهِ اِنَّهُ لايُحِبُّ الظّالمين - و جزای بدی کیفری همانند آنست پس آن که عفو کرد و اصلاح نمود پاداش او به عهده خداوند است، خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد» و آیه ۱۷۹ سوره بقره: «وَلَكُمْ فِى الْقِصاصِ حَيوةٌ ياأُولِى الْاَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ - ای خردمندان، برای شما در قصاص زندگانی است تا شاید (دراثر اجرای قانون قصاص از ایراد صدمه به یکدیگر و از بی‌عدالتی در کیفر مجرم و از ناامن کردن محیط زندگی...) پرهیز نمایید.» و با توجه به آیه ۱۳ شوری: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ماوَصَّى بِهِ نوحاً وَالَّذى اَوْحَيْنا اِلَيْكَ وَما وَصَّينا بِهِ ابراهيمَ وَموسَى وَعيسَى... - قرار داد برای شما از دین، آنچه نوح را به آن توصیه کرد و آنچه بر تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی وصیت کردیم...». چنین استنباط می‌شود که در دین خداوند متعال از زمان‌های قبل از نزول قرآن کریم و شاید از زمان شروع زندگی انسان‌ها در زمین، کیفر عادلانه قصاص

که مجازاتی کاملاً برابر و متناسب با جرم مجرم است، علاوه بر مورد قتل عمد، در موارد ایراد صدمه عمدی به اعضاء بدن انسان قابل اعمال بوده و در صورتی که شاکی حاضر به سازش نبوده، یا موردی برای تخفیف مجازات وجود نداشته، به عنوان بهترین نوع کیفر، به اجرای دقیق آن توصیه گردیده است. (موضوع قسمت‌هایی از مواد ۲۶۹ تا ۲۹۳ قانون مجازات).

۳/۶- کیفر قتل غیرعمد: پرداخت دیه و آزاد نمودن بنده‌ای مؤمن...

طبق آیاتی نظیرآیه ۹۲ سوره نساء: «**ماکانَ لِمُؤمِنٍ اَنْ یَقْتُلَ مُؤْمِناً اِلّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَاً فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِیَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلی اَهْلِه اِلّا اَنْ یَصَّدَّقوا فَاِنْ کانَ مِنْ قَومٍ عَدُوٍّ لَکُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَاِنْ کانَ مِنْ قَومٍ بَیْنَکُمْ وَبَیْنَهُمْ میثاقٌ فَدِیَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلی اَهْلِه وَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ شَهْرَیْنِ مُتَتابِعَیْنِ تَوبَةً مِنَ اللهِ وَکانَ اللهُ عَلیماً حَکیماً - هیچ مؤمنی شخص مؤمن را نمی‌کشد مگر به خطا و هر کس به خطا مؤمنی را به قتل برساند باید بنده‌ای مؤمن را آزاد نماید و خون بهای مقتول را نیز به اهلش بپردازد مگر آن که خون بها را ببخشند و اگر مقتول فردی مؤمن بود ولی قوم او دشمن شما باشند باید بنده‌ای مومن آزاد گردد (همانطور که این دشمنان از پرداخت**

خون بها به مسلمانان خودداری می‌کنند از پرداخت خون بها به آنان خودداری شود... فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ... آیه ۱۹٤ سوره بقره) و اگر مقتول از قومی است که بین شما و ایشان پیمان وجود دارد (طبق پیمان و تعهدات متقابل یا عرف عادلانه‌ای که پذیرفته و معمول می‌باشد یا همانند اقدام آنان در موارد مشابه) خون‌بها را به خانواده مقتول پرداخت کنید و بنده مؤمنی را نیز آزاد نمایید و هرکس بنده مؤمن نیابد دو ماه پی در پی روزه بگیرد (و اگر از گرفتن روزه نیز معذور باشد حدّاقل، شصت نفر مسکین را خوراک دهد ...فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا... آیه ٤ سوره مجادله) توبه‌ای از خدا و خدا دانا و حکیم است.».

۳/٦/۱- در رابطه با حقوق میهمانان واقلیت‌های کشور:

قانونگذار محترم در ماده ۲۹۷ قانون مجازات با بیان اینکه: **«دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ...»** و در تبصره دوم الحاقی به این ماده با بیان: **«براساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد.»** و در ماده ۳۰۰ قانون مذکور با بیان اینکه: **«دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است...»** برای هموطنان و میهمانانی که مسلمان، زرتشتی، کلیمی و مسیحی گفته نمی‌شوند دیه معلوم

ننموده، همچنین در ماده ۲۰۷ با بیان: « **هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود...**» و در ماده ۲۱۰ با بیان: «**هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود...**» در مواردی که مسلمان مرتکب قتل عمد غیرمسلمان گردد مجازات او را معین نکرده است... لذا صرفنظر از سردر گمی و دغدغه خاطر قضاتی که به شکایت اقلیت‌های کشور و اتباع خارج رسیدگی می‌کنند، اتخاذ تصمیم قضایی برخلاف میثاق‌های ملی و بین‌المللی و حقوق پذیرفته شده سیاسی و مدنی موجب نارضایتی و بدبینی طیف وسیعی از ملت ایران و نیز بهانه‌ای مؤثر برای تبلیغ علیه اسلام در جامعه جهانی می‌باشد.

در صورت توجه به آیاتی از قرآن کریم که هدف از فرستادن رسولان و ارسال کتاب‌های الهی را اقامه عدل بیان می‌فرمایند، نظیر آیه ۲۵ سوره حدید: «**لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَأَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَالْمِيزانَ لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ..- همانا پیغمبران خویش را با دلایل و کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به عدالت قیام نمایند...**» و باعنایت به اینکه نمی‌باید آیه‌ای از آیات قرآن کریم به گونه‌ای تفسیر شود که برخلاف هدف نزول آن دارای نتیجه‌ای غیرعادلانه باشد. و با توجه به آیه‌هایی نظیر آیه ۸ سوره ممتحنه که رفتار عادلانه توأم با نیکی را در مورد کافرانی که به خاطر دین با مسلمانان جنگ ننموده‌اند تجویز فرموده است،

همچنین با توجه به بعضی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظیر اصل چهاردهم که بیان داشته: «**به حکم آیه شریفه: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - دولت جمهوری اسلامی‌ایران ومسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.**»

و اصل نوزدهم با بیان: «**مردم ایران ازهر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها امتیاز نخواهد بود.**»

و اصل بیستم با بیان: «**همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و ازهمه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.**» و باعنایت به اینکه در قرآن (کتاب پیغمبرخاتم(ص)) تصریح نگردیده است که اگراز مسلمانان کسی غیرمسلمانی را به ناحق بکشد قصاص نداشته و یا مقدار دیه کافر غیرحربی کمتر از خون‌بهای یک مسلمان باشد، و به موجب کتاب‌های پیغمبران پیشین نیز که خداوند متعال آن‌ها را امام و راهنمای مردم زمان خود توصیف نموده و در آیه ۱۲ سوره احقاف و آیه ۱۷ هود با بیان «**وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً...**» کتاب حضرت موسی را امامی

از زمان قبل از نزول قرآن معرفی کرده و در آیه ٤٥ مائده فرموده است: **«وَكَتَبْنا عَلَيْهِمْ فيها اَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْاَنْفَ بِالْاَنْفِ وَالْاُذُنَ بِالْاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما اَنْزَلَ اللهُ فَاُولئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ- مقرر کردیم بر ایشان درآن (تورات) که انسان در برابر انسان است و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و در جراحت‌ها قصاص است. پس کسی که تصدّق کند به آن، پس آن زداینده گناه اوست و کسانی که به آنچه خداوند نازل‌کرده است حکم نکنند هم آنان ظالم می‌باشند»** به نظر نمی‌رسد در زمان‌های پیش از نزول قرآن دیه غیرمؤمن و مؤمن تفاوت داشته یا اگر مؤمن غیرمؤمنی را عمداً و به ناحق می‌کشت از مجازات قصاص معاف بوده باشد و با توجه به سیره عادلانه پیغمبر رحمت حضرت محمد و روش قرآنی ائمّه هُدَی صلوات‌الله‌علیهم اجمعین وتکلیف ما انسان‌ها به تلاش برای بهره‌مندی کامل از پندار، گفتار و کردار عادلانه (منطبق با راهنمایی‌های قرآن کریم) و با توجه به تعهد مسئولین محترم کشور به اجرای عدالت، امید است علاوه برقوانین مربوط به اقلیت‌های کشور، قسمت عمده نقاط ضعف بعضی قوانین دیگر (منجمله قوانین مربوط به حقوق زن) بر طرف و از مشکلات مربوط به آن‌ها کاسته گردد.

۳/۶/۲ - در رابطه با حقوق زن: عدم بیان یا عدم تصریح قرآن به تفاوت دیه زن و مرد:

برخلاف موضوع ارث که در اکثر موارد سهم زن نصف سهم مرد بوده، در بعضی از موارد سهم‌الارث زن با مرد برابر است (وکمبود سهم‌الارث زن به وسیله مهریه و نفقه جبران گردیده است) در قرآن مجید به نصف بودن دیه زن تصریح نگردیده و مورد خاصّی نیز بیان نگشته است تا در آن مورد خاص دیه زن نصف دیه مرد قرار داده شود. با توجه به آیاتی که ملاک برتری و فضیلت را تقوا می‌دانند، مانند: «...**اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ اَتْقیکُم...- گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است...(۱۳ حجرات)**». و آیه‌هایی که مانع اسراف در قتل می‌باشند و اجازه نمی‌دهند بیش از تعدادی که به عمد و به ناحقّ کشته شده‌اند از مرتکبین قتل آنان کشته شوند، نظیر: «**یااَیُّهاالَّذینَ ءامَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلَی اَلْحُرُّبِالْحُرِّ وَالْعَبْدُبِالْعَبْدِ وَالْاُنْثی بِالْاُنْثی...- ای کسانی که ایمان آورده‌اید نوشته شده است برشما قصاص در کشتگان، آزاد به آزاد، بنده به بنده و زن به زن...(۱۷۸ بقره)**» و «...**اَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...- جان برابر جان...** (۴۵ مائده)» و «**وَلاتَقْتُلُواالنَّفْسَ الَّتی حَرَّمَ اللهُ اِلّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْجَعَلْنالِوَلِیِّهِ سُلْطاناًفَلایُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ اِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً- نفسی را که خدا**

محترم قرار داده جز به حق نکشید و کسی که مظلوم کشته شده ما برای ولی‌دم او حق قصاص قرار داده‌ایم، اما نباید در قتل اسراف کند همانا او یاری شده است (۳۳ سوره اسرا)» و با توجه به آیاتی که قضاوت‌ها و اقدامات ما را در مورد همه مردم و در همه حال عادلانه می‌خواهند، مانند: «**...اذاحَکَمْتُم بَیْنَ النّاسِ اَنْ تَحکُمُوا بِالْعَدْلِ...** (۵۸ نساء)» و «**یا اَیُّهَا الَّذینَ ءَامَنُوا کُونُوا قَوّامینَ بِالْقِسْطِ...** (۱۳۵ نساء)» لازم است در کلّیهٔ محاکمات جزائی به میزان تقصیر هر متهم: قصد وی در عمل ارتکابی، وضع خاص و اوضاع و احوالی که تحت تأثیر آنها مرتکب جرم گردیده است (از قبیل رفتار مجرمانه یا تحریک‌آمیزمجنی‌علیه و انگیزه حق‌طلبانه یا شرافتمندانه جانی) دقیقاً توجه گردد و مجازات‌هایی که تعیین می‌شود از همه لحاظ متناسب و عادلانه بوده و هیچ تعارضی با فلسفه حکم الهی قصاص نداشته باشد. توضیح آن که به سبب نقص بعضی قوانین و به علت این که قضات دادگاه‌ها در مورد بسیاری از جرائم مجاز به لحاظ کردن جهات مخففّه و مشدّده کیفر نمی‌باشند، تعداد قابل توجّهی از احکامی که با استناد به موادی نظیر ماده ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۹۷ و ۳۰۰ قانون مجازات صادرمی‌شود با عدالت قرآنی سازگاری ندارند، مانند آن که: اگر مرد با سوء نیّت متعرّض زنی باتقوا گردد و زن بی‌گناه را ضمن شکنجه با وضعی فجیع به قتل برساند قابل

قصاص نیست مگر آن که خانواده مقتوله نصف دیه کامل را به مرد مجرم بدهند. و اگر انسانی خوب (اعم از زن یا مرد) هنگام تعرّضِ مردی مزاحم بدون آن که بخواهد مرد را بکشد، در دفاعی نامتناسب مرتکب عملی شود که نوعاً کشنده است، فرضاً در حالتی که بدون ایراد ضرب هم می‌تواند رهایی یابد ضربه‌ای نوعاً کشنده به مرد مزاحم بزند و مرد بمیرد (چون طبق ماده ۲۰۶ مذکور یکی از موارد قتلِ عمد آنست «**که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد**» و طبق مواد ۶۲۵، ۶۲۷ و ۶۲۹ در مورد دفاع مشروع، دفاع باید متناسب با حمله یا خطر بوده و از شرایط تجویز قتل عمد این است که برای دفاع از نفس یا عرض یا مال، قتل شخص متجاوز لازم باشد لذا) علیرغم رفتار مجرمانه یا تحریک‌آمیز مرد مقتول و انگیزه حق‌طلبانه یا شرافتمندانه قاتل و نداشتن قصد قتل، قاتل بدون دریافت دیه و بدون برخورداری از هرگونه تخفیف قانونی به تقاضای خانواده مقتول اعدام می‌شود...

۳/۷- کیفر شکستن عهد و سوگند: کمک به نیازمندان جامعه و گرفتن روزه:

«لا یُؤاخِذُکُمُ اللهُ بِاللَّغوِ فی اَیمانِکُمْ وَلکِنْ یُؤاخِذُکُمْ بِما عَقَّدْتُمُ الْاَیمانَ فَکَفّارَتُهُ

اطْعامُ عَشَرَةِ مَساکینَ مِنْ اَوْسَطِ ما تُطْعِمُونَ اَهْلیکُمْ اَوْ کِسْوَتُهُمْ اَوْ تَحْریرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلٰثَةِ اَیّامٍ ذٰلِکَ کَفّارَةُ اَیمانِکُمْ اِذا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا اَیمانَکُمْ کَذٰلِکَ یُبَیِّنُ اللهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ- خداوند شما را برای عهد و قسم‌های لغو (از آن قبیل که بدون هدف و بی‌اراده سرمی‌زنند) مؤاخذه نمی‌کند ولی برای سوگندی که به اراده و اختیار یاد کنید مورد مؤاخذه قرار می‌دهد وکفّاره آن طعام دادن ده نفر مسکین از متوسّط غذایی است که به خانواده خود می‌دهید، یا لباس پوشانیدن آنان، یا آزادی بنده، پس کسی که (فاقد امکانات مالیست و یا در موقعیتی قرار دارد که به هیچ یک از موارد مذکور) دسترسی ندارد باید سه روز روزه بگیرد، این کفاره قسم‌های شما می‌باشد وقتی سوگند خورید (و خلاف کنید)، سوگندهای خود را حفظ کنید (سوگند ظالمانه و ناروا و سوگندی که عمل به آن نافرمانی از احکام خدا بوده و شکستن آن لازم باشد یاد نکنید و از عهد وسوگندهای صحیح خود نیز تخلّف ننمایید) این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند تا (با عمل به آن‌ها) شکرگزار باشید (۸۹ مائده)» و...

۳/۸- کیفر ظهار: یاری نیازمندان وگرفتن روزه و یا طلاق زوجه ضمن پرداخت مهریه و سایر حقوق او:

«اَلَّذینَ یُظاهِرُونَ مِنْکُمْ مِنْ نِسائِهِمْ ما هُنَّ اُمَّهاتِهِمْ اِنْ اُمَّهاتُهُمْ اِلّا اللّائی وَلَدْنَهُمْ

وَ اِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَراً مِنَ الْقَوْلِ وَ زُوراً وَ اِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ(۲) **وَ الَّذِينَ يُظاهِرُونَ مِنْ نِسائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِما قالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَتَماسّا ذٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَ اللهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ**(۳) **فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَتَماسّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعامُ سِتِّينَ مِسْكِيناً ذٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَ لِلْكافِرِينَ عَذابٌ اَلِيمٌ** (۴ مجادله)» خداوند حکیم در آیات مذکور ضمن تقبیح ظهار و تحریم گفتارمردانی که همسرخود را همانند مادر خویش توصیف و از آمیزش با آنان دوری می‌کنند، به ظهارکنندگان توصیه می‌فرماید که از سخن ناپسند و باطل خود بازگردند و پیش از آمیزش جنسی با زوجه‌ای که نسبت به وی ظهار کرده‌اند بنده‌ای را نیز آزاد نمایند و هر یک از آنان بنده‌ای برای آزادی نیابد قبل از تماس دو ماه پی در پی روزه بگیرد و اگر نتواند روزه بگیرد شصت نفر مسکین را خوراک دهد تا با افزودن به تقوا و اعمال صالح و ایمان خود از عفو و آمرزش او برخوردار شوند و از کسانی نباشند که به سبب کفران حدود خدا به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد.

تبصره: هرگاه ظهارکننده ظرف چهار ماه از سخن ناروای خود باز نگردد و به طور متعارف با زوجه خویش آمیزش ننماید، زوجه حق دارد با مراجعه به دادگاه، به استناد آیات فوق‌الذکر و آیه‌هایی نظیر

آیات ٢٢٦ و ٢٢٧ سوره بقره که می‌فرماید: «لِلَّذینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسائِهِمْ تَرَبُّصُ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ فَاِنْ فاؤُا فَاِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحیمٌ (٢٢٦) وَاِنْ عَزَمُوا الطَّلاقَ فَاِنَّ اللهَ سَمیعٌ عَلیمٌ (٢٢٧)» شوهر را موظّف سازد که یا از طریق طلاق متارکه کند و یا با دادن کفّاره به زندگی زناشویی بازگشت نماید.

۳/۹- کیفر زوجه ناشزه: ۱- تذکّر ۲- بی‌اعتنایی در بستر ۳- ضرب ساده و بی‌خطر ٤- متارکه‌ای منصفانه

«اَلرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِما اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوالِهِمْ فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللهُ وَاللّاتی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَاِنْ اَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبیلاً اِنَّ اللهَ کانَ عَلِیّاً کَبیراً (٣٤) وَاِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَیْنِهِما فَابْعَثُوا حَکَماً مِنْ اَهْلِهِ وَحَکَماً مِنْ اَهْلِها اِنْ یُریدا اِصْلاحاً یُوَفِّقِ اللهُ بَیْنَهُما اِنَّ اللهَ کانَ عَلیماً خَبیراً (٣٥) وَاعْبُدُوا اللهَ وَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْأً و... (٣٦ نساء)» مردان از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و به آنچه که ازمال خود نفقه می‌دهند قیام‌کننده بر (دفاع، تهیـّه مایحتاج وانتظام امور) زنانند پس زنان شایسته در برابر شوهران خود متواضع هستند و در غیاب شوهر حقوقی را که خدا برای او قرارداده است حفظ می‌کنند (زنان حق‌شناس، فروتن و خوش‌رفتاری

که رضایت و آرامش شوهر را بر خواسته‌های غیرضروری و بر هوای نفس خویش ترجیح می‌دهند و در مراقبت از ناموس و نگهداری مال و در انجام وظایف مرتکب خیانت نمی‌شوند و مربّی و سرمشقی خوب برای فرزندانی حق‌شناس و مسئولیت‌پذیر و صالح می‌باشند، زنانی خوش‌بین و مناسب برای ازدواجی موفّق، ازدواجی که آرامش و دوستی و مهربانی را در نهاد خود داشته و قرآن دربارهٔ آن فرموده است: **«وَمِنْ ءَایاتِه اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیْها وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...– و از آیات او آنست که برای شما جفت‌هایی از خودتان آفرید تا در کنار هم آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی قرار داد...** (۲۱ روم)» چنین زن‌هایی همسرانی نیکو و شایستهٔ محبت عمیق و درخور احترام قلبی شوهران خویشند، و اگر در رعایت تقوای الهی و عمل به دستورات قرآن کریم از همسران خود سبقت بگیرند، هم در دنیا از ایشان عزتمندتر و دارای آرامش بیشتری هستند هم طبق آیاتی نظیر: **«...اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ اَتْقیکُمْ...** (۱۳ حجرات)» در نزد خداوند و در جهان آخرت از شوهران خویش برتر و برای برخورداری از سعادت ابدی نسبت به آنان مقدم می‌باشند.)

۳/۹/۱- لزوم تذکّر به همسری که از انجام وظایف زوجیّت خودداری می‌کند:

«وَالّلَاتی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ- و زنانی را که از خطر سرکشی آنان می‌ترسید موعظه کنید».

باید توجه داشته باشیم خداوند که تمام اسماء و صفات او در نهایت نیکویی، زیبایی وکمال است «**وَلِلّه الْاَسْماءُالْحُسْنَی**...(۱۸۰ اعراف)» **مارا نیافریده است مگربرای بندگی خود «وَماخَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْس اِلّالِیَعْبُدُونَ** (٥٦ ذاریات)» تا با اطاعت از مواعظ حکیمانه‌اش سعادتمند گردیده، تکامل و رفعت یافته، در دنیا و در آخرت از نیکان و از مقرّبین و از کسب‌کنندگان رحمت و رضوان او باشیم «**وَجیهاًفِی الدُّنْیاوَالْآخِرَةِوَ مِنَ الْمُقَرَّبین** (٤٥ آل عمران) **وَرِضْوانٌ مِنَ اللهِ اَکْبَرُ**...(۷۲ توبه)...» و برای آن‌که روش بندگی و مواعظ خود را ابلاغ و روشن کند پیامبران را مبعوث و کتاب‌های آسمانی را نازل فرمود و هدف از ارسال پیامبران و نزول کتاب و میزان را قیام مردم به عدالت نامید تا معلوم باشد که عقیده و گفته و عمل غیر عادلانه در جهت خلاف بندگی او قرار دارد و ما انسان‌ها می‌باید از ظلم اجتناب کرده دارای پندار، گفتار و کرداری صحیح، نیکو و عادلانه باشیم «**لَقَدْاَرْسَلْنارُسُلَنابِالْبَیِّناتِ وَاَنْزَلْنامَعَهُمُ**

الْکتابَ وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ... - به درستی که فرستادیم رسولانمان را با دلایل و نازل کردیم با ایشان کتاب و میزان را تا مردم به عدالت قیام نمایند...(۲۵ حدید)» و چون قرآن ذکر و قانون و موعظه پروردگار جهان است «**وَانَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَلِقَوْمِکَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ** - همانا قرآن ذکر تو و قومت می‌باشد و به زودی درخصوص نحوه رعایت آن پرسش می‌شوید (٤٥ زخرف)» و این کتاب است که برای آنچه در ضمیر انسان می‌باشد و برای بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی و بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی شفاء بوده و وسیله هدایت و رحمتی برای اهل ایمان است «**یاایُّهَا النّاسُ قَدْجاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَشِفاءٌ لِمافِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ** (۵۷ یونس)...» لذا همچنان که در آیه ۲۰ سوره مزّمّل تأکید گردیده: «...**فَاقْرَؤُا ماتَیَسَّرَ مِنَ الْقُرآنِ**... - تا می توانید قرآن بخوانید...» لازم است با مداومت درمطالعه قرآن و تدبّر درآن: «**اَفَلایَتَدَبَّرُونَ الْقرآنَ** - آیا در قرآن تدبـّر نمی‌کنند (۲٤ محمد)» به کتاب آسمانی خود انس بگیریم و چون قرآن به زبانی ساده و قابل فهم نازل گردیده است: «**وَلَقَدْیَسَّرْنَا الْقرآنَ لِلذِّکْرِ**... - به درستی که قرآن را برای فهمیدن و یادآوری آسان نمودیم...(۱۷ قمر)» با آشنایی به موضوعات و مفاهیم آن ، ضمن تطبیق و جمع‌بندی مطالبی که درخصوص هر موضوع در آیات مختلف بیان

شده است حقّ و باطل را تشخیص داده در مسیر حق قرار داشته و در رابطه با دیگران و به ویژه در ارتباط با همسر خویش انتظاراتی ناروا و خودخواهانه نداشته باشیم و در صورت سرکشی و خشونت زوجه نیز با راهنمایی‌های قرآن و کمک مشاورینی که دارای حسن نیّت و آشنا به مفاهیم قرآن می‌باشند ضمن بررسی علّت بدرفتاری زوجه و دادن پاسخ مثبت به انتظارات به‌حق او، به طریقی خردمندانه وی را به وظیفه قرآنیش آشنا و به پایان دادن رفتار ظالمانه و به اصلاح رابطه زوجیّت یاری نماییم. **«وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِيمٌ - و نیست یکسان خوبی و بدی، دفع کن به آنچه آنست بهتر، پس آنگاه کسی که میانه تو و اوست دشمنی، گویا که دوستی گرم و صمیمی است (۳٤ فصّلت)».**

۳/۹/۲- بی‌اعتنایی در بستر:

«وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ - و در بستر از آن‌ها دوری کنید».

مرحله دوم از کیفرهمسر ناشزه‌ای که تذکّرات عادلانه را نمی‌پذیرد و بدون عذر قرآنی به ناسازگاری و امتناع ازانجام وظایف مهم زوجیت ادامه می‌دهد آنست که در خوابگاه مشترک مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد و همسرش از آمیزش جنسی با او خودداری نماید.

۳/۹/۳- ضرب ساده و بی‌خطر:

«وَاضْرِبُوهُنَّ- و آنان را بزنید».

مرحله سوم از کیفر زن ناشزه‌ای که تذکرات عادلانه را نپذیرفته است و دوری شوهر از بستر وی نیز مشارٌالیها را از سرکشی باز نداشته و بدون عذر موجّه همچنان به رفتار ظالمانه ادامه می‌دهد آن است که در جهت اصلاح و تربیت، مورد تنبیه بدنی ساده و بی‌خطر قرار گیرد، مثلاً با دست یا وسیله‌ای نظیر ترکه یک یا چند ضربه به بعضی نقاط مقاوم و غیرحسّاس او نواخته شود تا شاید به خود آید و با تجدید نظر در رفتار بد خویش، آرامشی را که خداوند مقرر داشته و وجود آن از لوازم دوام زوجیّت و زندگی سعادتمندانه است نابود ننماید **«هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ اِلَیْها...- او کسی است که آفرید شما را از نفس واحد و قرار داد از آن جفتش را تا (با نیک‌مَنشی، راستی، پاکی، فروتنی، مهرورزی و کمک به هم) در کنار یکدیگر آرامش یابند... (۱۸۹ سوره اعراف)»**.

لازم است این نکته یادآوری شود که در قوانین ایران، نشوز شوهر از پرداخت نفقه زن، علاوه بر جنبه اصطلاحاً حقوقی، دارای جنبه جزایی می‌باشد و با دادخواست و شکایت زنی که شوهرش از تهیّه و

پرداخت نیازهای متعارف او از قبیل مسکن، لباس، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمان... خودداری نماید مراجع قضایی علاوه بر اینکه از نظر حقوقی شوهر را به تهیّه و تأمین نفقه زن محکوم می‌نمایند از نظر جزایی هم به استناد ماده ٦٤٢ قانون مجازات، او را تعقیب و مجازات می‌کنند: «**ماده ٦٤٢- هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النّفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید.**». اما نشوز و عدم تمکین زوجه فقط جنبه حقوقی دارد و زوجه سرکش و خوددار از انجام وظایف را نمی‌توان توسّط مراجع قضایی مورد تعقیب جزایی قرار داد و به مجازات رسانید و ضربی که در مرحله سوم کیفر نشوز توسّط شوهربه زوجه وارد شود نیز حتّی اگر موجب ایجاد اثری ناچیز گردد مانند آن که به اندازه پشت ناخن از پوست بدن او را سرخ کند شوهر با شکایت زوجه، به اتهام ایراد ضرب مورد تعقیب جزایی قرار می‌گیرد و چون نحوه تنظیم قانون موجود در مورد دیه و قصاص به گونه‌ای است که دادگاه نمی‌تواند آن‌طور که لازم می‌باشد برای اجرای عدالت به کیفیات مخفّفه کیفر و به سؤ رفتار شاکی و انگیزه حق‌طلبانه متهم توجّه نماید لذا بدون آن که تخفیفی بدهد شوهر را (که بدون سوءنیّت مجرمانه با همسر ناشزه

خود درگیری پیدا کرده و با قصد اصلاح و برای دفع ستم از خود او را مورد ضرب قرار داده است) به پرداخت تمام دیه صدمهٔ وارده محکوم می‌نماید، در حالی‌که در مانحن فیه شاکیه به ناروا و به‌طور مستمر دارای سوء رفتار و سبب اختلال روانی شوهر و محرّک و مقصّر اصلی در مضروب شدن خویش بوده و مجازات شوهر مذکور نباید به مقدار مجازات شخص بیگانه‌ای باشد که با سوءنیّت و به ناروا زوجه شخص دیگری را کتک زده و موجب ایجاد صدمه‌ای مشابه شده است.

ناگفته نماند که در رابطه با جنبهٔ جزایی نشوز، چون ماده ٦٠٨ قانون مجازات بیان می‌دارد که: «**توهین به افراد از قبیل فحّاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حدّ قذف نباشد موجب محکومیت به مجازات شلاق تا (٧٤) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.**» لذا اگر سوءرفتار زن یا شوهر توأم با فحاشی و استعمال الفاظ رکیک باشد و اهانتی که به یکدیگر می‌کنند قابل انطباق با ماده ٦٠٨ مذکور محسوب شود، تعقیب جزایی و مجازات همسر فحّاش و اهانتگر نیز مانند سایر افراد جامعه، از طریق مراجع قضایی امکان‌پذیر می‌باشد.

۳/۹/۳/۱ - در رابطه با حقوق و تکالیف قانونی زوجین نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به فرزندان:

به موجب مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند و طبق ماده ۱۱۰۵: **«در روابط زوجین ریاست خانواده ازخصایص شوهر است.»** و بنا به ماده ۱۱۰۶: **«در عقد دائم نفقه زن به عهدهٔ شوهر است.»** و طبق ماده ۱۱۰۸: **«هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.»** و به موجب ماده ۱۱۱۱: **«زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.»**. طبق ماده ۱۱۶۸: **«نگاهداری اطفال هم حق وهم تکلیف ابوین است.»** و به موجب ماده ۱۱۷۷: **«- طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آن‌ها احترام کند.»** و بنا به ماده ۱۱۷۸: **«ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند.»** و طبق ماده ۱۱۷۹ قانون فوق‌الذکر: **«ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.»**.

۳/۹/۳/۲- نظریه و پیشنهاد در مورد جنبه جزایی نشوز:

چون زن‌ها برای جهیزیه‌ای که به خانه شوهر می‌برند و کمکی که در زندگی مشترک می‌کنند و در قبال خوبی‌ها و حسن رفتار خود از شوهر انتظار قدردانی دارند و شوهرها نیز برای مهریه و نفقه‌ای که می‌پردازند وبرای تلاشی‌که درجهت رفع نیازمندی‌های خانواده می‌کنند و در قبال خوش‌رفتاری و فداکاری خود از زوجه توقع دارند که حق‌شناس باشد، لذا هنگامی‌که برخی زن‌ها یا شوهرها علاوه بر حق‌ناشناسی با زشتی‌هایی دیگر نظیر بهانه‌جویی، زیاده‌طلبی، تندخویی، ستیزه‌جویی، بداندیشی، بدگویی، تحقیر همسر نزد کودک و با بدبین و ناسپاس و اهانتگر نمودن فرزندان نسبت به همسر و یا با هر سؤرفتار دیگری از انجام صحیح وظایف زوجیت امتناع می‌نمایند و همسر خود را مورد آزار روحی و در آشفتگی قرار می‌دهند، همسران آنان با از دست دادن تحمل خویش و نیافتن راه و مرجعی که به وسیلهٔ آن بتوانند خود را نجات دهند بعضاً دست به کارهای ناصحیح و جنون‌آمیزی می‌زنندکه دارای زیان‌هایی بزرگ وغیرقابل جبران می‌باشد. بنابراین و بنا بر بعضی علل دیگر، بهتر است نقص یا خلأ قانون در مورد جنبه جزایی نشوز برطرف شود و مرحله سوم کیفر همسر ناشزه (ضرب) طبق رأی مرجع قضایی به اجرا درآید تا بدرفتاری‌های درون

خانواده‌ها کم گردد و عقده‌های عمیق و زیان‌های بزرگ ناشی از درگیری‌های خانوادگی کاهش یابد، در این راستا پیشنهاد می‌شود ماده ٦٤٢ قانون مجازات که متن آن ذکر گردید به شرح ذیل اصلاح شود:

ماده ٦٤٢ (اصلاحی)- هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیهٔ نفقهٔ سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، و زنی که علیرغم استفاده از نفقه شوهر، بدون عذر موجّه و بیش از چهار ماه از شوهر خود تمکین ننموده و نسبت به او سرکش و خشن باشد، و همچنین هریک از اعضاء خانواده (اعم از فرزندان، زن و شوهر) که با ابراز حق‌ناشناسی یا ناسپاسی در برابر وظیفه‌شناسی یا خوبی بعضی اعضا دیگر خانواده، با زشتی‌هایی نظیر بهانه‌جویی، زیاده طلبی، تند خویی، ستیزه‌جویی، بداندیشی، بدگویی و یا با هر رفتار سؤ دیگری که نوعاً تحمّل آن برای بشر مشقّت‌بار و زجرآور است در آرامش خانه اخلال کرده و برخی بستگان خود را در ناراحتی ومورد آزار و آشفتگی روحی قرارداده باشد، دادگاه عندالاقتضاء ضمن استفاده ازبعضی مشاوران یا مددکاران آگاه و امین، شخص مجرم را به ۱ تا ۷٤ ضربه شلاق یا به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس و یا به پرداخت جزای نقدی که بیش از مابه‌الازاء پنج ماه حبس نباشد و یا به سرزنش و ارشاد و دادن تعهّد و

یا به مطالعهٔ کتاب و یا به هر اقدامی که سنگین‌تر از پنج ماه حبس نبوده و برای تأدیب و اصلاح او مفید باشد محکوم خواهد کرد.

۳/۹/٤ - متارکه‌ای منصفانه:

«فَانْ اَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِیلاً اِنَّ اللهَ کانَ عَلِیّاً کَبِیراً- پس اگر آن زن‌ها از شما اطاعت کردند، راهی برای برتری بر آنان مجویید (و به یاد داشته باشید که شما برتر بزرگ نیستید) به درستی‌که خداوند برتر بزرگ است (۳٤) وَاِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَیْنِهِما فَابْعَثُوا حَکَماً مِنْ اَهْلِهِ وَحَکَماً مِنْ اَهْلِها اِنْ یُرِیدا اِصْلاحاً یُوَفِّقِ اللهُ بَیْنَهُما اِنَّ اللهَ کانَ عَلِیماً خَبِیراً - و اگر (به سبب زیادی اختلاف) بیم جدایی دو همسر را داشته باشید داوری از کسان شوهر و داوری از کسان زن انتخاب کنید اگر هدفشان اصلاح باشد خدا میان آنان سازگاری می‌دهد به درستی‌که خدا دانای خبیراست(۳۵) وَاعْبُدُوا اللهَ وَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَبِالْوالِدَیْنِ اِحساناً وَبِذِی الْقُرْبی وَالْیَتامی وَالْمَساکِینِ وَالْجارِ ذِی الْقُرْبی وَالْجارِ الْجُنُبِ وَالصّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِیلِ وَما مَلَکَتْ اَیْمانُکُمْ اِنَّ اللهَ لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالاً فَخُوراً- وخدا را بپرستید وهیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید همچنین به نزدیکان، یتیمان، بینوایان، همسایگان نزدیک، همسایگان دور، معاشر یا مصاحب نزدیک، مسافر وامانده و به زیردستان خود، به‌درستی که خداشخص خود برتربینِ خودخواه فخرکننده رادوست نمی‌دارد(۳٦ نساء)».

اگر بعد از اجرای سه مرحله کیفر نشوز (تذکر- دوری از بستر و ضرب) همچنان زوجه به سرکشی و بد رفتاری ادامه بدهد و داورها نیز نتوانند او را به رعایت اعتدال متقاعد نمایند متارکه منصفانه می تواند پایانبخش بسیاری از درگیری ها باشد :

با توجه به آیاتی که هرگونه بی‌عدالتی را ممنوع واحسان را نسبت به نزدیکانی مانند همسر واجب فرموده‌اند و آیاتی که حق یکسان زن و مرد در ورود به ازدواج و انتخاب آزادانه همسر و داشتن رضایت کامل در هنگام انعقاد نکاح و برخورداری از حقوق متناسب و عادلانه در برابر مسئولیت‌های متفاوت دوران زناشویی و هنگام جدایی را تبیین می کنندمانند: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا- ای کسانی که ایمان آورده‌اید حلال نیست برای شما که علیرغم وجود اکراه به میراث گیرید زنان را (باید با زنانی که راضی به ازدواج با شما نیستند و نیز با زنانی که از آنان خوشتان نمی‌آید ازدواج نکنید و بعد از ازدواج هم نه تنها مالی از ایشان را خلاف میلشان در اختیار خود نگیرید) آنان را تحت فشار قرار ندهید تا بعضی از آنچه به ایشان داده‌اید (ازقبیل مهریه) را باز پس ستانید مگر آنکه عمل زشت آشکاری انجام بدهند و با آنان آنطور که خوب و شایسته است**

رفتار کنید، پس اگر (همسرانتان از شما اکراه پیدا نمودند و خواهان جدایی هستند بطریقی منصفانه از آنان جدا شوید و اگر شما) از همسرانتان اکراه پیدا کردید (زود تصمیم به جدایی نگیرید) ای بسا چیزی را که نمی‌پسندید خداوند در آن خیر کثیری قرار داده باشد (۱۹ نساء) **وَاِنْ اَرَدْتُمُ اسْتِبْدالَ زَوْجٍ مَکانَ زَوْجٍ وَءَاتَیْتُمْ اِحْدَیهُنَّ قِنْطاراً فَلاتَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئاً اَتَأْخُذُونَهُ بُهْتاناً وَاِثْماً مُبیناً**- واگرتصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود بگیرید و مال فراوانی (به عنوان مهریه و هدیه) به همسرخود داده‌اید، چیزی ازآن را نگیرید آیا برای پس گرفتن آن متوسّل به بهتان و گناه آشکار می‌شوید (۲۰ نساء). **وَکَیْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ اَفْضَی بَعْضُکُمْ اِلَی بَعْضٍ واَخَذْنَ مِنْکُمْ میثاقاً غَلیظاً**- چگونه آن (مال) را پس می‌گیرید در حالی‌که با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته‌اند (۲۱ نساء)»....

چون مهریه سنگین و یا مال پربهایی که شوهر به زن می‌دهد و یا تعهد می‌کند که آن را به او بدهد عرفاً برای آنست که زن تا پایان عمر در کنار شوهر به وظایف زوجیت عمل نماید و زن نیز هنگامی به خواستگار خود پاسخ مثبت می‌دهد که او متعهد به انجام وظایف و میثاق زوجیت باشد لذا مؤیّداً به آیاتی که به موجب آن‌ها خداوند نمی‌پسندد که بندگانش در سختی و تنگنا قرار داشته باشند نظیر:
«...**وَماجَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدّینِ مِنْ حَرَجٍ**... (۷۸ حج) ...**یُریدُاللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَلایُریدُ**

بِکُمُ الْعُسْرَ...(۱۸۵ بقره)» به نظرمی‌رسد حتّی اگر زوجه‌ای که ناشزه است با طلاق خود مخالفت نماید، شوهر حق دارد ضمن پس گرفتن قسمت عادلانه‌ای از اموالی که به او داده است و یا با کم کردن میزان تعهدات خود نسبت به وی، مشارٌالیها را مطلقّه کند، همچنان که اگر شوهر دارای نشوز یا سوء رفتاری باشد که زندگی زن را توأم با عسر و حرج نماید و نخواهد زن را طلاق بدهد زن ضمن دریافت مبلغی عادلانه بابت مهریه و نفقه، حق دارد با او متارکه نماید.

«اَلطَّلاقُ مَرَّتانِ فَاِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْتَسْرِیحٌ بِاِحْسانٍ وَلا یَحِلُّ لَکُمْ اَنْ تَأْخُذُوا مِمّا اٰتَیْتُمُوهُنَّ شَیْئاً اِلّا اَنْ یَخافا اَلّا یُقیما حُدُودَاللهِ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلّا یُقیما حُدُودَاللهِ فَلا جُناحَ عَلَیهِما فیمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْکَ حُدُودُاللهِ فَلا تَعْتَدُوها وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَاللهِ فَاُولٰئِکَ هُمُ الظّالِمونَ- جدایی بین زن و شوهر دوبار است، پس نگهداشتنی به خوبی، یا رها ساختنی به احسان، حلال نیست برای شما از آنچه به زنان داده‌اید پس بگیرید مگر آن‌که بترسند که حدود خدا را برپا ندارند. پس اگر بترسید که حدود خدا را رعایت نکنند گناهی بر آن دو نیست که زن فدیه بپردازد، این حدود الهی است از آن تجاوز نکنید و کسی که از حدود خدا (واز مسیر حق یا عدالت قرآنی) تجاوز کند هم ایشان ستمگرانند (۲۲۹) **فَاِنْ طَلَّقَها فَلا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتّٰی تَنْکِحَ زَوْجاً غَیْرَهُ فَاِنْ طَلَّقَها فَلا جُناحَ عَلَیْهِما اَنْ یَتَراجَعا اِنْ ظَنّا اَنْ یُقیما حُدُودَاللهِ...** - پس اگر (بعد از دو مرتبه طلاق- سه بار

ازدواج، بار دیگر) مرد زن را طلاق داد، آن زن بر او بعد از آن حلال نخواهد شد مگر اینکه با مرد دیگری ازدواج کند، پس اگر شوهر بعدی او را طلاق داد، گناهی ندارد که آن دو بار دیگر ازدواج نمایند مشروط بر این که امیدوار باشند که حدود الهی را رعایت خواهند کرد... (۲۳۰) وَاِذاطَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْسَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلاتُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا...- هنگامی‌که زنان را طلاق دهید و عدّه آنان فرا رسد پس نگهدارید ایشان را به‌خوبی، یا رهایشان کنید به خوبی، و هرگز به‌خاطر ضرر رسانیدن و تعدّی‌کردن آنان را نگه مدارید... (۲۳۱) وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ... — و برای زنان مطلّقه متاعی شایسته فراهم نمائید ... (۲٤۱ سوره بقره)... وَاَشْهِدُواذَوَیْ عَدْلٍ مِنْكُمْ...- و (هنگام هر بار طلاق و جدایی) دو نفر عادل از خودتان گواه بگیرید... (۲ سوره طلاق)».

۳/۹/٤/۱- قانون در رابطه با طلاق و اقسام آن:

قانون مدنی در رابطه با طلاق در ماده ۱۱۳۳ اصلاحی و تبصره ذیل آن بیان داشته است که: **«مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.**

تبصره- زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.» طبق ماده ۱۱۱۹: **«طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در**

ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل این‌که شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سؤ رفتاری نماید که زندگانی آن‌ها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.» و به موجب ماده ۱۱۲۹: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.» و بنا به ماده ۱۱۳۰: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر وحرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.».

و در ارتباط با اقسام طلاق، در ماده ۱۱٤۳ بیان داشته است که: «طلاق بر دوقسم است: بائن و رجعی.» و طبق ماده ۱۱٤٤: «در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.» و به موجب ماده ۱۱٤۵: «در موارد ذیل طلاق بائن است: ۱- طلاقی که قبل از نزدیکی واقع شود. ۲- طلاق یائسه. ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد. ٤- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از این‌که وصلت در

نتیجه رجوع باشد یا نتیجه نکاح جدید.».

و بنا به ماده ۱۱٤٦: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم از این‌که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.».

و به بیان ماده ۱۱٤۷: «طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.». و طبق ماده ۱۱٤۸ قانون مدنی: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عدّه حق رجوع است.».

۳/۹/٤/۲- هدف قرآن از تجویز مشروط و محدود تعدّد زوجات: حمایت از یتیمان و زنان بی‌شوهر، دفاع از عدالت اجتماعی و فردی، منع ستم و فحشاء...

با توجه به آیه‌هایی نظیر آیات ابتدای سوره نساء که انسان‌ها را از یک پدر و مادر و نسبت به هم خویشاوند و مسئول رفع بسیاری از نیازهای یکدیگر می‌دانند، هرگاه به علتی مانند جنگ، تعداد زنان بی‌شوهری که خواهان ازدواجند از مردان بدون زنی که آماده ازدواجند بیشتر گردد، به منظور اجرای عدالت نسبی میان زنان اجتماع و رفع ستم از ایتام و ممانعت از فحشاء، بعضی مردان توانمندی که مانع و

معترضِ ذیحقی نداشته باشند اجازه خواهند یافت که هر یک تا چهار نفر از زنان موافق و آماده زندگی دوستانه با هَوُو را به نکاح خود درآورند و ضمن رفتاری عادلانه بین آنان، برای فراهم شدن موجبات آسایش و رفاه ایشان کوشش نمایند: «**یا اَیُّهَا النّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَبَثَّ مِنْهُما رِجالاً کَثیراً وَنِساءً وَاتَّقُوا اللهَ الَّذی تَساءَلُونَ بِهِ وَالْاَرْحامَ اِنَّ اللهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقیبا- ای انسان‌ها دوری کنید از نافرمانی پروردگار خود که آفرید شما را از یک تن و جفتش را نیز از او آفرید و گسترانید از آن دو تن مردان بسیار و زنان را، بپرهیزید نافرمانی خداوندی را که سؤال شوید به او و رحمها (بپرهیزید از نافرمانی خداوندی که نیازهای خود را به مشیّت و با نعمت‌های او، و بسیاری را به کمک خویشاوندان برطرف می‌کنید و در روز جزا می‌باید در مورد نحوه بندگی او و چگونگی رفتار خود با خویشاوندان پاسخگو باشید) همانا خداوند بر شما مراقب است** (۱ نساء) **وَآتُوا الْیَتامَی اَمْوالَهُمْ وَلا تَتَبَدَّلُوا الْخَبیثَ بِالطَّیِّبِ وَلا تَأْکُلُوا اَمْوالَهُمْ اِلَی اَمْوالِکُمْ اِنَّهُ کانَ حُوباً کَبیراً- اموال یتیمان را به ایشان بدهید و مال خبیث را با مال طیّب آنان عوض نکنید و (اگر با افراد یتیم هم‌خرج و هم‌سفره می‌باشید استفاده از اموال آنان را بر استفاده از اموال خود مقدم ندارید) و اموال آنان را نخورید تا به اموال خویش، به درستی‌که این استفاده ناروا و غیرعادلانه گناهی بزرگ است** (۲) **وَاِنْ خِفْتُمْ اَلّا تُقْسِطُوا فِی الْیَتامَی فَانْکِحُوا**

مَاطَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ لَا تَعُولُوا- اگر بیم دارید که در مورد زنان و اطفال بی‌سرپرست نتوانید عدالت را رعایت کنید (و در وضعیّتی هستید که برای اجرای عدالت و برای رعایت منافع یتیمان لازم می‌دانید که با تعدادی از زنان بی‌شوهر ازدواج نمایید) پس دو و سه و یا چهار تا از زنانی را که برای شما پاک و دلنشینند به نکاح خود درآورید، اما اگر بیم دارید که میان زنان خود نتوانید عادلانه رفتار کنیدْ پس با یک زن آزاد یا با یک کنیز ازدواج نمایید این نزدیکتر است به آن‌که مرتکب ستم نشوید (بهترآنست که فقط یک زن داشته باشید) (۳) وَءَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً- و مهریّه و سایر حقوق زنان را بخشش‌گونه (قبل از آن که برای دریافت آن اصراری نمایند) عطا کنید پس اگر خود ایشان چیزی از آن را دوست داشتند که برای شما باشد بخورید آن را سازگار گوارا (٤) وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَاماً وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً - و ندهید به کم خردان اموالتان را که خدا وسیله ایستادگی شما قرار داده است، و رزق دهیدشان درآن و بپوشانیدشان و بگویید برای ایشان گفتاری نیکو(۵) وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ ءَانَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافاً وَبِدَاراً أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيّاً فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيراً فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا

عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللهِ حَسِيباً- یتیمان را (طبق آموزش‌های قرآن تربیت و) امتحان نمایید تا به توانایی نکاح (وتشکیل خانواده) برسند، پس اگر رشد (و خِرَدْ وَرزی لازم را) از آنان دیدید، اموالشان را به ایشان برگردانید و آن‌را با اسرافکاری و پیش از آن‌که بزرگ شوند (بابت مزد سرپرستی خود) نخورید، و کسی که بی‌نیاز است درگذرد و کسی که فقیر است منصفانه اندکی را (به ازاء زحماتی که به نفع یتیم کشیده است) بخورد، پس هرگاه اموال آنان را بخودشان دادید گواه بگیرید (و بدانید که برای محاسبه اعمال هرکس نظارت) و حسابرسی خداوند کفایت می‌کند(٦) ...اِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُونَ اَمْوالَ الْيَتامَى ظُلْماً اَنَّما يَأكُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ ناراً وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيراً،- آنانکه اموال یتیمان را ظالمانه می‌خورند آتش در شکمهای خود فرو می‌برند و بزودی در آتش فروزان قرار می‌گیرند (۱۰ نسا)».

(ابتدای آیه ٦ سوره نساء که لزوم آمادگی جسمانی و تربیتی و رشد عَقْلانی یتیمان را برای ازدواج و نیز لزوم رشد یا بزرگی آنان را برای دریافت اموال و استفاده عُقَلائی از اموال مورد عنایت قرار داده است باید در تعیین بلوغ و رشد و درتشخیص صلاحیت افراد برای ازدواج مورد توجه باشد)

تکمله: علاوه بر مواردیکه بعضی مردان توانمند برای اجرای عدالت نسبی میان زنان بی‌شوهر و برای رفع ستم از افراد یتیم اجازهٔ

ازدواج مجدد می‌یابند، در موارد دیگری نیز برای رعایت مصلحتِ توأم با اجرای عدالت، ازدواج مجدد یا تعدد زوجات قابل تجویز است، از آنجمله: هرگاه زوجهٔ ناشزه یا زوجه‌ای که قادر به انجام وظایف زوجیت نیست نخواهد به طریقی منصفانه از شوهر طلاق بگیرد...

۳/۹/٤/۳- قانون و تعدّد زوجات:

در رابطه با تعدد زوجات و ازدواج مجدد، قانون مدنی با بیان: «**هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دخترخواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازهٔ زن خود.**» در ماده ۱۰٤۹، اجازه زوجه را فقط برای ازدواج مجدد با دختر برادر و دختر خواهر وی لازم دانسته است. و در ماده ۱۱۱۹ بیان نموده است: «**طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل این‌که شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد...... زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.**» و در ماده ۱۱۲۸ با بیان: «**هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.**» ظاهرا حق زوجه جدید را برای جدا شدن از مرد متأهّلی که خود را مجرد معرفی نموده پذیرفته است،

ولی برای رعایت حق زوجه‌ای که فاقد وکالت مذکور در ماده ۱۱۱۹ می‌باشد و شوهرش برخلاف قول وقرارهای قبل از ازدواج خود مجدداً ازدواج می‌کند ضابطه و راهکار جامع‌الاطرافی ارائه نکرده است. و قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ نیز در ماده ٦٤٧ با بیان: «**چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکّن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرّد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آن‌ها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.**» به زوجه دوم و بعد از او اجازه داده تا شوهری را که خود را به دروغ مجرد معرفی کرده است تعقیب کیفری و توسط مراجع قضایی مجازات نمایند ولی مجوزی صادر نکرده است تا اگر شوهری با انجام ازدواج مجدد در حق زوجه مقدم خود ستم روا داشته باشد زوجه مقدم بتواند در مرجع قضایی شوهر پیمان‌شکن را مورد تعقیب کیفری قرار بدهد لذا برای رفع بعضی نواقص فوق‌الاشعار پیشنهاد می‌شود:

الف- از لحاظ حقوقی، ماده ۱۰٤۹ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «**هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.**» بشرح ذیل اصلاح و تکمیل گردد:

ماده ۱۰٤۹ (اصلاحی)- مرد نمی‌تواند بدون موافقت زن خود

ازدواج مجدد نماید مگر آنکه زن او ناشزه و یا ناتوان از انجام وظایف زوجیت باشد.

تبصره: هیچ کس نمی‌تواند بدون اجازه زن خود دختر برادر زن یا دختر خواهر زن خود را بگیرد حتی اگر زن او ناشزه و یا ناتوان از انجام وظایف زوجیت باشد.

ب- از لحاظ کیفری، با اضافه نمودن عبارت: (مردی که دارای زوجه‌ای متواضع و توانا به انجام وظایف زوجیت می‌باشد اگر بدون موافقت مشارالیها مجدداً ازدواج نماید از ۳ ماه تا یک سال حبس و یا از ۱۸ الی ٧٤ ضربه شلاق محکوم خواهد شد) به ماده ٦٤٧ قانون مجازات، ماده مذکور بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ٦٤٧ (اصلاحی)- الف : چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تـجرد و امثال آن فریب دهد و عقد برمبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.

پ- مردی که دارای زوجه‌ای متواضع و توانا به انجام وظایف زوجیت می‌باشد اگر بدون موافقت مشارالیها مجددا ازدواج نماید از ۳ ماه تا یک سال حبس ویا به ۱۸ الی ٧٤ ضربه شلاق محکوم‌خواهد شد.

۳/۱۰- کیفر کسی که در حال احرام شکار کند: اهداء قربانی یا اطعام مساکین و یا گرفتن روزه

به موجب آیاتی نظیر آیه‌های ۹۵ و ۹٦ سوره مائده، هنگامی‌که شخص به قصد انجام آداب حج و عمره مُحْرِم می‌شود، مادامی‌که در احرام است شکار حیوانات صحرایی بر او حرام می‌باشد و اگر در حالت احرام صیدی بَرّی را به قتل برساند، برای آن‌که عقوبت کار خود را بچشد می‌باید همانند شکاری‌که به قتل رسانده است هدیه به کعبه رساند و یا برای کفّاره عملش به افراد فقیر طعام دهد و یا معادل آن روزه بگیرد: **یا أَیُّها الَّذینَ ءامَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّیْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَةِ أَوْ کَفّارَةٌ طَعامُ مَساکینَ أَوْ عَدْلُ ذٰلِکَ صِیاماً لِیَذُوقَ وَبالَ أَمْرِه**...(۹۵) **أُحِلَّ لَکُمْ صَیْدُ الْبَحْرِ وَطَعامُهُ مَتاعاً لَکُمْ وَلِلسَّیّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَیْکُمْ صَیْدُ الْبَرِّ ما دُمْتُمْ حُرُماً وَاتَّقُوا اللهَ الَّذی إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ** (۹٦)».

توضیح آنکه‌آیه۱۹۷ سوره بقره با بیان: «...**فَلا رَفَثَ وَلا فُسُوقَ وَلا جِدالَ فِی الْحَجِّ وَما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزّادِ التَّقْوی وَاتَّقُونِ یا أُولِی الْأَلْبابِ**» علاوه بردادن توجه به ممنوع بودن ارتکاب فسوق (شامل هرگناه کبیره و صغیره) آمیزش جنسی با همسر، خروج از ضوابط مقرر

و بحث و جدل و خشونت و فشار به دیگران را هنگام انجام حج ممنوع نموده و از صاحبان خرد خواسته است با انجام امور خیر، بخصوص با افزایش تقوای الهی، برای دنیا و آخرت خویش بهترین توشه‌ها را تهیه نمایند (البته به هدایت قرآن).

۳/۱۱- کیفر کسی که بعد از ارشاد و تذکّر در داخل مسجد شرک‌ورزی می‌کند اخراج است از مسجد:

طبق آیاتی که نمونه‌هایی از آنها ذیلاً بیان خواهد شد:

الف- شرک ظلمی عظیم[۱] و گناهی غیرقابل بخشش[۲] وموجب تباه شدن اعمال بندگان است[۳].

ب- گناه شرکِ به خدا در مسجد، بخصوص در مسجدالحرام از گناه شرک در سایر مکان‌ها بزرگتر است[٤].

پ- مسجد جایگاه خاص عبادت پروردگار است و باید از مظاهر خرافه پرستی و شرک‌ورزی طاهر باشد و کسی که داخل مسجد شرک‌ورزی می‌کند لازمست در جهت امر به معروف و نهی از منکر با گفتاری نرم او را به نمونه‌ای از آیاتی که از آن‌ها تخلّف کرده است توجّه داد و در صورتی‌که بعد از تذکّرِ قرآنی همچنان به شرک‌ورزی

ادامه دهد وی را به اخراج از مسجد محکوم و حضورش را در مسجد به اجتناب از رفتار شرک‌آمیز مشروط نمود.[۵]

۳/۱۱/۱- نمونه آیات (در رابطه با مبحث کیفر شرک در مساجد)

۳/۱۱/۱/۱- شرک ورزیدن به خداوند ستمی عظیم است:

آیه ۱۳ سوره لقمان: «...**لاتُشْرِکْ بِاللهِ اِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیم- هرگز به خدا شرک مَوَرز به درستی‌که شرک ظلمی عظیم است.**»

۳/۱۱/۱/۲- شرک ورزیدن به خداوندگناهی غیرقابل بخشش می‌باشد :

آیه‌های ٤٨ و ١١٦ سوره نساء: «**اِنَّ اللهَ لا یَغْفِرُ اَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَیَغْفِرُ مادُونَ ذَلِکَ لِمَنْ یَشاءُ... - خداوند شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد...**»

۳/۱۱/۱/۳- شرک به پروردگار جهان موجب تباهی اعمال است:

آیه ٦٥ سوره زمر: «...**لَئِنْ اَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ وَلَتَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِین-**

اگر شرک بورزی عملت تباه می‌شود و از زیانکاران می‌باشی.»

۳/۱۱/۱/٤- گناه شرک به خدا در مسجد، بخصوص در مسجدالحرام از گناه شرک در سایر مکانها بزرگتر است:

آیه ۲۸ سوره توبه: «...اِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...- مشرکان نجسند و نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند.» وآیه ٢٦ سوره حج: «وَاِذْ بَوَّأْنَا لِاِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ اَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ- ابراهیم را در بیت جای دادیم که به من هیچ شرک موزر و بیتم را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و نمازگذاران پاک گردان» و...

۳/۱۱/۱/۵- مسجد باید از مظاهر خرافه‌پرستی و شرک‌ورزی پاک باشد و در آن از خواندن غیرخدا اجتناب نمائیم:

آیه ۱۸ سوره جن: «وَاَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا- مسجدها برای (سجده و پرستش) خداوند می‌باشند پس با خدا کسی را نخوانید (بویژه در مسجد).» و ...

۳/۱۱/۲- نمونه‌هایی از رفتارهای شرک‌آمیز: خواندن غیرخدا با خدا، خواندن غیرخدا به حالت دعا (دعا به درگاه غیرخدا) و طلب امداد غیبی از غیرخدا:

در استنباط از آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلا بیان می‌شود، **به استثناء افراد با تقوایی که عالم و عامل به اوامرخداوند بوده در برابر وسوسه‌های شیطانی مقاوم باشند بقیه افراد را ابلیس و سایر شیاطین با تزئین اعمال ناصحیح و القاء شبهه می‌توانند از صراط مستقیم حق و عدالت منحرف و جهنمی نمایند[1] لذا با اغواگری‌های شیاطین جن و انس نه تنها اکثر مردم به قرآن ایمان نمی‌آورند[2]، بیشتر افراد مؤمن به خدا نیز به طرق گوناگون نسبت به خدا شرک ورزیده[3]، بعضاً با غلو در مورد بزرگان دین(ع)، یا قرار دادن نام بزرگان مورد نظر خود در ردیف نام خدا، هم خدا را و هم آنان را می‌خوانند و به آنان نیز توکّل و در حضور خدا از آنان طلب امداد غیبی می‌کنند[4]...**

نمونه‌هایی از آیات مورد استنباط (در رابطه با مبحث رفتارهای شرک‌آمیز):

۳/۱۱/۲/۱- شیطان در گمراه نمودن اکثر ما انسانها موفق می‌باشد:

آیه‌های ۳۹ و ۴۰ سوره حجر: «...لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ- (ابلیس گفت) هر آینه آنچه اغواکننده و زیان‌آور است برای انسان‌ها در زمین زینت می‌دهم و همه آنان را گمراه می‌کنم مگر بندگان خالص شده‌ات را» و آیه‌های ۶۳ نحل و ۲۴ نمل و ۲۸ عنکبوت: «...زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ...- شیطان اعمال (خرافی و ناصحیح) آنان را برای آنان زینت داد». و ...

۳/۱۱/۲/۲- اکثر مردم به قرآن ایمان نخواهند آورد:

آیه ۱۰۳ سوره یوسف: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ- هرچند به ایمانشان حریص باشی و تلاش کنی که ایمان بیاورند، اکثر مردم ایمان نمی‌آورند». و ...

۳/۱۱/۲/۳- بیشتر افراد مؤمن به خدا نسبت به او شرک می‌ورزند:

آیه ١٠٦ سوره یوسف: «وَمایُؤمِنُ اَکْثَرُهُمْ بِاللهِ اِلّاوَهُمْ مُشْرِکُونَ - و اکثرشان به خدا ایمان نمی‌آورند الّا و ایشان شرک ورزندگانند» و آیات ٨٤ تا ٨٩ مؤمنون: «قُلْ لِمَنِ الْاَرْضُ وَمَنْ فیهااِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بگو زمین و آنچه در آنست از آن کیست اگر می‌دانید؟ (٨٤) سَیَقُولُونَ لِلّه قُلْ اَفَلاتَذَکَّرُونَ - می‌گویند از آن خداست، بگو پس آیا متذکر نمی‌شوید (٨٥) قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ - بگو چه کسی پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است (٨٦) سَیَقُولُونَ لِلّهِ قُلْ اَفَلاتَتَّقُونَ - می‌گویند (مالکیت و ربوبیّت آنها نیز) از آنِ خداست، بگو پس چرا از خدا پروا نمی‌کنید (٨٧) قُلْ مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَهُوَ یُجیرُ وَلایُجارُ عَلَیْهِ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بگو چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد و او پناه می‌دهد ونیاز به پناه ندارد اگرمی‌دانید؟ (٨٨) سَیَقُولُونَ لِلّهِ قُلْ فَاَنّی تُسْحَرُونَ - می‌گویند (حکومت همه چیز) از آنِ خداست بگو پس چرا فریب می‌خورید (نذر به درگاه غیرخدا می‌کنید، غیرخدا را هم به حالت دعا می‌خوانید و از غیرخدا امداد غیبی می‌خواهید...)». و...

۳/۱۱/۲/٤- ممنوعیت غلو در دین - نمونه‌هائی از شرک‌ورزی ما انسانها- بعضی هشدارهای قرآن در رابطه با پندار، گفتار و رفتارهای مشرکانه:

الف- آیه ۱۷۱ نساء و آیه ۷۷ مائده: «**...لاتَغْلُوافِی دینِکُمْ...**- در دین خود غلو نکنید...»

ب- آیه ۳۱ سوره توبه: «**اِتَّخَذُوااَحْبارَهُمْ وَرُهْبانَهُمْ اَرْباباًمِنْ دُونِ اللهِ وَالْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَمااُمِرُوااِلّالِیَعْبُدُوااِلهاًواحِداًلااِلهَ اِلّاهُوَسُبْحانَهُ عَمّایُشْرِکُونَ**- علماء مذهبی و زاهدانشان را از دون خدا ارباب گرفتند همچنین مسیح پسر مریم را، (افراد مورد توجهی از مذهب مورد نظر خود، و نیز پیامبران مقرّب و امامان به حقی نظیر حضرت مسیح را در ربوبیت خدا شرکت می‌دهند و به آنان بعد از خدا توکل می‌کنند و ایشان را به حالت دعا می‌خوانند و از آنان هم امداد غیبی طلب می‌کنند و ...) در صورتی‌که دستور ندارند مگر اینکه الهی یگانه را پرستش کنند، معبودی که غیر از او الهی نیست و پاک است از آنچه به او شرک می‌ورزند.».

پ- آیه‌های۱۸ و۱۰٦ سوره‌یونس: «**وَیَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ مالایَضُرُّهُمْ وَلایَنْفَعُهُمْ وَیَقُولُونَ هَؤُلاءِشُفَعاؤُناعِنْدَاللهِ قُلْ اَتُنَبِّؤُنَ اللهَ بِمالایَعْلَمُ فِی السَّمواتِ وَلافِی الْاَرْضِ سُبْحانَهُ وَتَعالَی عَمّایُشْرِکُونَ**- سوای خداچیزهایی رامی‌پرستند

که نه زیان و نه سودی به آنان می‌رسانند و می‌گویند این‌ها شفیعان ما نزد خدا می‌باشند، بگو آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین از آن سراغی ندارد؟ او منزه و برتر است از آنچه شرک می‌آورند (۱۸)

وَلا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُكَ وَلا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذاً مِنَ الظّالِمينَ- مخوان سوای خدا آنچه را که نه سودت دهد و نه گزندت برساند، اگر غیرخدا را (به صورت دعا) خواندی از ستمکارانی».

ت- آیه‌های ۱۹٤ و ۱۹۵ سوره اعراف: «اِنَّ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ عِبادٌ اَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجيبُوا لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ- آنان که به جز خدا می‌خوانید بندگانی همچون خود شماهستند اگرادعای شما درمورد آنان درست بوده واز راستگویان باشید باید دعاهای شما را مستجاب و حاجت‌هایتان را برآورده سازند (۱۹٤) اَلَهُمْ اَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها اَمْ لَهُمْ اَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِها اَمْ لَهُمْ اَعْيُنٌ يُبْصِرونَ بِها اَمْ لَهُمْ ءاذانٌ يَسْمَعُونَ بِها...- آیا آنان را پاهایی هست که با آن راه بروند یا دست‌هایی دارند که با آن بگیرند یا برای ایشان چشم‌هایی هست که با آن بتوانند ببینند یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟...».

البته همانطور که از آیاتی نظیر آیه‌های۵۳ و ۵٤ نحل، ۳۱ تا ۳۵ روم، ۸ زمر، ٦٤ و ۷۹ و ۸۰ آل عمران، ۳۱ توبه، ۷۰ و ۷۱ و ۱۳۸ اعراف... برداشت می‌شود، وقتی خدا رنجی را از انسان برطرف می‌کند، گروهی به گمان و یا با بیان اینکه بنا به مشیت و اذن خدا بعضی ارباب یا اَسماء و یا بت‌ها آن رنج را برطرف کرده یا در برطرف کردن آن شرکت داشته‌اند، نسبت به خدا که رب

حقیقی جهانیان است مرتکب شرک‌ورزی می‌شوند... : «...**ثُمَّ اِذا کَشَفَ الضُّرَّ عَنْکُمْ اِذا فَریقٌ مِنْکُمْ بِرَبِّهِمْ یُشْرِکُون** ...» درحالیکه خدا برای این نوع اعمال و عقاید دلیلی نازل نکرده است: «... **مانَزَّلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ**...» و اگر برخی پیامبران بنا به مشیّت خدا هنگام زندگانی خود در دنیا معجزاتی آورده‌اند آن معجزات را خدا در جهت اثبات حقّانیّت ادّعای آنان و برای پیشبرد امور رسالت ایشان ایجاد کرده و هیچ پیامبری بطور ذاتی دارای نیروی فوق بشری نبوده است و خود پیامبران نیز به این نکته توجّه داده و گفته‌اند: «... **اِنْ نَحْنُ اِلّا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ... وَما کانَ لَنا اَنْ نَأْتِیَکُمْ بِسُلْطانٍ اِلّا بِاِذْنِ الله**... (۱۱ ابراهیم)» و در این راستا خدا به پیامبر خاتم می‌فرماید: «**قُلْ لااَمْلِکُ لِنَفْسی نَفْعاً وَلاضَرّاً اِلّا ماشاءَ اللهُ وَلَوْ کُنْتُ اَعْلَمُ الْغَیْبَ لَاسْتَکْثَرْتُ مِنَ الْخَیْرِ وَما مَسَّنِیَ السُّوءُ اِنْ اَنَا اِلّا نَذیرٌ وَبَشیرٌ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ** ـ **بگو من مالک سود و زیان خود نیستم مگر آنچه خدا بخواهد و اگر از غیب (جز آنچه به وحی می‌دانم) آگاه بودم از خوبیهای بسیاری بهره می‌بردم و بدی به من نمی‌رسید، من نیستم مگر بیم‌دهنده و مژده‌رسان برای گروهی که ایمان می‌آورند** (۱۸۸ اعراف)» و... .

ث– آیه ۳۴ سوره انبیاء: «**وَما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِکَ الْخُلْدَ**...– **و برای هیچ بشری قبل از تو عمر مداوم ندادیم**...» و آیه‌های ۳۰ و ۳۱ سوره زمر:

«اِنَّکَ مَیِّتٌ وَاِنَّهُمْ مَیِّتُونَ- (ای محمد) تو می‌میری و آنان نیز مردگان و میرندگانند. ثُمَّ اِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیمَةِ عِنْدَ رَبِّکُمْ تَخْتَصِمُونَ- سپس روز قیامت (زنده می‌شوید و) نزد پروردگارتان مخاصمه می‌کنید».

ج- آیه‌های ۱۳ و ۱٤ و ۲۲ سوره فاطر: «...وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا یَمْلِکُونَ مِنْ قِطْمِیرٍ- وکسانی را که به جز پروردگارمی‌خوانید مالک پوسته هسته خرمایی هم نیستند (۱۳) اِنْ تَدْعُوهُمْ لَا یَسْمَعُوا دُعَاءَکُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَکُمْ وَیَوْمَ الْقِیَامَةِ یَکْفُرُونَ بِشِرْکِکُمْ...- هنگامی که بخوانیدشان دعای شما را نمی‌شنوند واگر هم بشنوند اجابت نمی‌کنند و روز قیامت به شرکی که ورزیده‌اید کفر می‌ورزند... (۱٤)... وَمَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِی الْقُبُورِ- (ای محمد) تو نمی‌توانی سخن خود را به آنان که در گورها هستند برسانی (۲۲ فاطر)...».

وقتی گوش و سایر اعضای فوت شدگان از کار افتاده باشد و آنطور که آیاتی نظیر آیه‌های ۲۵۹ بقره، ۱۹ کهف، ۱۱۳ مؤمنون و ٤۵ یونس دلالت می‌کنند بدون بدن زنده نتوانند گذر زمان و چیزی را تشخیص بدهند و پس از زندگی مجدد مدت بیهوشی و مرگ خود را یک روز یا کمتر از یک روز تصوّر نمایند: «... یَوْماً اَوْبَعْضَ یَوم ... - وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ کَاَنْ لَمْ یَلْبَثُوا اِلّا سَاعَةً مِنَ النَّهار...»، حتی اگر آنان از اهل هلاکت و مردگانی جهنمی نبوده و مانند کشته شدگان در راه خدا اهل حیات طیبه و همچون حضرت عیسی از تقرّب و رفعت یافتگان و در آخرت داخل بهشت دارای زندگی شاد و پاکیزه

باشند آیا ممکن است قبل از قیامت سخنها و خواسته‌های مردم دنیا را بشنوند و آنها را به اجابت نیز برسانند؟! آنهم با توجه به اینکه هیچ یک از اعمال انسان بی‌پاداش نمی‌ماند و هر کس شفاعت نیکو و یا شفاعتی بد کند مزد آن را می‌گیرد؟!: «مَن یَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً یَکُن لَهُ نَصیبٌ مِنْها وَمَن یَشْفَعْ شَفاعَةً سَیِّئَةً یَکُنْ لَهُ کِفْلٌ مِنْها... (۸۵ نساء)» و اینکه فرصت هرکس برای انجام عمل تا قبل از فوتش می‌باشد: «... قَدْ خَلَتْ لَها ما کَسَبَتْ... (۱۳٤ و ۱٤۱ بقره)...» و اینکه طبق آیاتی نظیر: «...کُنْتُمْ اَمْواتاً فَاَحْیاکُمْ ثُمَّ یُمیتُکُمْ ثُمَّ یُحْییکُم... (۲۸ بقره)» در روز قیامت است که خدا با دادن شکل و جان و آگاهی به ما دوباره ما را زنده می‌کند و در آن روز است که همه اعمال ما و حقیقت عملها و نتیجه آنها آشکار می‌گردد: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللهُ عَمَلَکُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ... (۱۰۵ توبه) ... وَسَیَعْلَمُ الْکُفّارُ لِمَنْ عُقْبَی الدّار (٤۲ رعد). وَاَنْ لَیْسَ لِلْاِنْسانِ اِلّا ماسَعَی. وَاَنَّ سَعْیَهُ سَوْفَ یُرَی (٤۰ نجم). وَاِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ. عَلِمَتْ نَفْسٌ ماقَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ (٥ انفطار)» و اینکه روز قیامت وقت دریافت مزد اعمال است: «... اِنَّما تُوَفَّوْنَ اُجُورَکُمْ یَوْمَ الْقیامَة... (۱۸٥ آل عمران)» و...

چ- آیه ۱۸٦ سوره بقره: «وَاِذاسَاَلَکَ عِبادی عَنّی فَاِنّی قَریبٌ اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ اِذادَعانِ فَلْیَسْتَجیبُوا لی وَلْیُؤْمِنُوا بی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ- وهنگامی که بندگانم ازتو درباره من سؤال کنند بگو من نزدیکم (...نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ- از رگ گردن به‌آنان نزدیکترم (۱٦ ق)) دعای دعاکننده راموقعی که مرا می‌خواند

اجابت می‌کنم پس باید دعوت مرا بپذیرند وبه من بگروند تا شاید (از هدایت قرآن بهره لازم را بگیرند و) رشد یافته رستگار شوند» و آیه ٦٠ غافر: «...اُدْعُونِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ اِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ- مرا بخوانید تا برایتان اجابت کنم آنانکه ازخواندن و عبادت من تکبّر ورزند با خواری داخل جهنم می‌شوند» و...

ح- آیه‌های ٥ و ٦ احقاف: «وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ مَنْ لایَسْتَجِیبُ لَهُ اِلَی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعائِهِمْ غافِلُونَ- چه‌کسی گمراه‌تر است از کسی که غیرخدا را (به حالت دعا) می‌خواند، آن را که تا قیامت هم او را بخواند اجابت نخواهد کرد، و مخلوقاتی که در مقام مخاطب دعا خوانده می‌شوند ازدعای دعاکنندگان غافل‌هستند (٥) وَاِذا حُشِرَ النّاسُ کانُوا لَهُمْ اَعْداءً وَکانُوا بِعِبادَتِهِمْ کافِرِینَ- و هنگام قیامت وقتی محشور شوند (و حقایق برملا گردد، آنانکه مخاطب دعا قرار داده شده و وسیله شرک به خدا گردیده‌اند) دشمن خوانندگان خود خواهند بود و به پرستش عبادت‌کنندگان خویش کفر خواهند ورزید» و...

۳/۱۱/۳- توضیح (در رابطه با مبحث کیفر شرک در مساجد):

اگر شرک را دو نوع بدانیم: شرک در خلقت (**شریک قرار دادن**

برای خدا در آفریدن موجودات و مالکیت آنها) و شرک در ربوبیّت (**شریک قراردادن برای خدا در پرورش‌موجودات وانتظام امور آنها**)، در صدر اسلام، غالب مشرکین و بت پرستان مکه خدا را خالق و مالک هستی میدانستند و شرک ورزی آنان نوعاً در ربوبیت (**مربیگری یا پروردگاری**) خدا بود و اگر از آنها سئوال می‌شد که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است می‌گفتند خدا: «**وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ...** (۳۸ زمر)» و شرک‌ورزی مشرکین مذکور در ربوبیت خدا نیز در حدّی نبود که بت ها و بزرگانی نظیر حضرت ابراهیم و اسماعیل(ع) را در ردیف خدا قرار بدهند و هنگام مواجه شدن با خطرهایی از قبیل خطر غرق شدن در دریا، هم از آنها و هم از خدا یاری بخواهند: «**فَاِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ اِلَى الْبَرِّ اِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ** (٦٥ عنکبوت)» همچنین شرک‌آنان در ربوبیت خدا به حدی نبود که به طور صریح برای خدا شریک مطرح نمایند، وقتی از آنان سئوال می‌شد که چه کسی از آسمان و زمین به شما رزق می‌دهد و چه کسی امور جهان را تدبیر می‌کند؟ می‌گفتند خدا: «**قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللهُ...** (۳۱ یونس)»، حتّی بسیاری از آنان پرستش معبودهای ساختگی خود را از موجبات

تقرّب به خدا می‌پنداشتند و خواندن آنها و طلب امداد غیبی از آنها را اقدامی غیرمشرکانه و عملی خداپسندانه می‌دانستند: «... **وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...** (۳ زمر)»... همچنانکه در زمان حاضر نیز برخی بت پرستان جهان بت‌های خود را وسیله ارتباط با خدا و واسطه کسب نعمت و رحمت او تلقی می‌کنند و اقدامات عبادی مشرکانه خود را نه تنها مغایر با یگانه پرستی نمی‌دانند بلکه آنرا ازموجبات خشنودی خدا و سبب تقرب به او می‌پندارند... البته گرایش به خرافه و شرک در همه قومها کم و بیش وجود داشته و دارد، با توجه به آیه‌هایی نظیر آیات ۱۰۳ تا ۱۷۱ سوره اعراف و ۷۷ تا ۹۸ سوره طه، در زمان حضرت موسی بسیاری از بنی اسرائیل که خدا را خالق و پروردگار جهان می‌دانستند در اثر تبلیغ و توجیه ناصحیح، به سرکردگی سامری که خود را شخصّیتی بصیر و دین شناس می‌پنداشت برخلاف آموزه‌های دین خود و علیرغم مخالفت پیامبر مقبول خویش، با زیورالات به ساختن معبودی به شکل گوساله پرداختند (شاید به این خیال باطل که بنا به اذن خدا، آن بت جلوه‌ای از خدا و واسطه‌ای برای نزدیکی به او و وسیله‌ای برای برخورداری از رحمت خدا و کانونی برای همبستگی و موجبی برای کمال و رونق دین آنان است؟!) ...

در جمع‌بندی مفاهیم آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد که:

الف/۳/۱۱/۳- قرار دادن نام مخلوق در کنار نام خالق بی‌همتا، از یک طرف، بالانمایی بیش از حد مقام مخلوق و غلو است در مورد او، از طرف دیگر، پایین و کوچک نمایاندن شأن خالق جهان و نوعی تقصیر و اهانت است نسبت به پروردگار بزرگ.

ب۳/۱۱/۳- دعا خواندن و طلب امداد غیبی کردن از مصادیق پرستش مخاطب دعا می‌باشد و چون تنها خدا شایسته پرستش است لذا هرگاه از غیرخدا انتظار امداد غیبی داشته باشیم و غیرخدا را مخاطب دعا قراردهیم و به درگاه غیرخدا دعا کنیم، مرتکب رفتاری خرافی و مشرکانه گردیده‌ایم.

پ/۳/۱۱/۳- بهترین راه برای اجتناب از ارتکاب شرک و خرافه پرستی این است که ضمن مطالعه عمیق و مداوم قرآن، پندار و گفتار و کردار خود را بر آیات روشن و محکم این کتاب الهی منطبق سازیم و سعی نماییم برای خدا بنده‌ای متواضع، دقیق و متفکر بوده، درحالی‌که با کلماتی نظیر «**اِیّاکَ نَعْبُدُ وَاِیّاکَ نَستَعینُ**» خطاب به او می‌گوییم فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم در گفتار خود صادق باشیم، تا در روز جزا، روزی‌که راستگویان را صداقت‌آنان سود می‌دهد «**...یَوْمُ یَنْفَعُ الصّادِقینَ صِدْقُهُمْ...** (۱۱۹ مائده)» از زیانکاران نباشیم و در حدی مطلوب از رحمت و رضوان پروردگار برخوردار شویم.

٤- تجویز جنگ‌های دفاعی عادلانه ضمن تأکید به تقویت توانمندی‌های جامعه اسلامی در جهت استقرار صلح عادلانه:

طبق آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود **مسلمان اصیل باید آگاه به قرآن[١]، با تقوا[٢]، متواضع[٣]، حق‌گو[٤]، دفاع کننده از حق[٥]، کمک کننده به مظلوم[٦]، مقاوم[٧]، صلح‌جو[٨] و از هر نظر عادل[٩] و نیکو[١٠] باشد و خردمندانه برای قرآنی کردن جامعه کوشش کند تا در اثر ارتقاء علم، ایمان، تکنیک و سایر توانمندی‌ها جامعه اسلامی در جایگاه رفیع خود قرار بگیرد و کسی جرأت تجاوز به حقوق مسلمانان را نداشته و صلح و آزادی و امنیت در مناطق اسلامی مستقر باشد[١١] و در صورتی‌که کفار با تجاوز به حقوق مسلمانان جنگ را به آنان تحمیل نمایند با شدّتی که مقتضی اجرای عدالت است با کفار متجاوز برخورد کند[١٢] و پیوسته خدا را در نظر داشته باشد و از کمترین ستم حتی نسبت به دشمن ستمگر خود دوری نماید[١٣].**

نمونه‌هایی از آیات مرتبط به مبحث جنگ:

٤/١- لازم‌است حتی‌الامکان ساعاتی ازشبانه‌روز را به مطالعه قرآن بپردازیم و آن را یاد بگیریم و اعتقادات و اعمال خود را به آن تطبیق بدهیم:

آیه ۱۷ سوره قمر و آیه ۲۰ مزمل: «**وَلَقَدْيَسَّرْنَاالْقُرءَانَلِلذِّكْرِ...**- **قرآن را برای پندگیری (آموختن و عمل کردن) آسان نمودیم...** (۱۷ قمر) ...**فَاقْرَؤُامَاتَيَسَّرَمِنَ‌الْقُرْآنِ...**- **پس تا می‌توانید از قرآن بخوانید...** (۲۰ مزمل)» و...

٤/٢- تقوا نیرویی بازدارنده از هرگونه ستم و محرک انجام نیکویی‌هاست و هر انسانی بخصوص هر مسلمان اصیلی باید باتقوا باشد:

آیه ۱۳ سوره حجرات: «... **اِنَّ‌اَكْرَمَكُمْ‌عِنْدَاللهِ‌اَتْقَاكُمْ...**- **گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما می‌باشد...**» از میان انسان‌ها انسانی با تقواتر است که در مقابل خدا خاشع‌تر و از نافرمانی او خوفناک‌تر و برای تشخیص وظایف الهی خود جدّی‌تر و دقیق‌تر و در انجام آن وظایف

کوشاتر و محتاط‌تر و در راه کسب رضایت و محبت خدا و رسیدن به جوار رحمت او فداکارتر باشد، لذا انسان‌های باتقوا باید کتاب هدایت خدا را بطور مرتّب مورد مطالعه قرار بدهند و با تشخیص حقّ و باطل و عدل و ظلم و خوب و بد، از بدی‌ها دوری کنند و برای انجام امور خداپسند نهایت تلاش خود را به‌کار ببرند و چنان بر هوای نفس خود مسلط و خداخواه باشند که هنگام جنگ با دشمن متجاوز نیز علاوه بر امتناع از ارتکاب هرگونه ستم، اگر دشمن آنان بخواهد مطلبی در مورد دین بداند، طبق آیه ٦ سوره توبه که می‌فرماید **«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ...- هرگاه یکی ازمشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس به مکان امنش برسان...»** اگر شده آن دشمن فرد پیمان شکنی باشد که سال‌ها علیه اسلام توطئه و پیکار نموده و صدمات زیادی به مسلمانان وارد کرده و در اخراج رسول خدا از خانه و شهرش شرکت داشته است به او پناه می‌دهند تا به پیام قرآن آگاهی بیشتری یافته و از ناحیه مسلمانان در تبلیغ قرآن و فراهم کردن موجبات رستگاری دشمن کوتاهی صورت نگرفته باشد.

٤/٣- بنده‌وتسلیم خدای مهربان‌بامردمان‌مهربان‌ومتواضع می‌باشد:

آیه ٦٣ سوره فرقـان: «وَعِبادُالرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الارْضِ هَوْنـاً واِذاخاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً- (ازصفات) بندگان‌خاصّ خداوند مهربان (آن است که) ملایم و متواضعند و بدون تکبّر بر زمین راه می‌روند و زمانی‌که افراد جاهل‌آنان راموردِ خطاب‌قرارمی‌دهند درپاسخ به‌آنان سلام‌می‌گویند» و...

٤/٤- مسلمان دقّت و بررسی می‌کند تا سخنی که می‌گوید منطبق با واقع، خدشه‌ناپذیر، خردمندانه، کامل و پاک باشد و از سخن او کمترین ستم و فسادی ایجاد نگردد:

آیه ۷۰ سوره احزاب: «ياايُّهَاالَّذِينَ ءَامَنُوااتَّقُوااللهَ وَقُولُوا قَوْلاً سَدِيداً- ای اهل ایمان از نافرمانی خدا بپرهیزید و به حقّ سخن بگویید». و ...

٤/٥- در دفاع از حق:

الف/٤/٥- کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند و برای دفاع از حقّ خود راه صحیحی بغیر از جنگ نمی‌یابند اجازه دارند که جنگ نمایند:

آیات ۳۹ تا ٤١ حج: «اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقـاتَلُونَ بِـاَنَّهُمْ ظُلِمُـوا وَاِنَّ اللهَ عَلَـى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ- برای کسانی که جنگ از طرف دشمن به آنان تحمیـل شـده

است و مورد ستم قرار گرفته‌اند اجازه جنگ داده شد و خدا بر یاری آنان توانا می‌باشد(۳۹) اَلَّذینَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ اِلّا اَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ وَلَولا دَفْعُ اللهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَبِیَعٌ وَصَلَواتٌ وَمَساجِدُ یُذْکَرُ فیهَا اسْمُ اللهِ کَثیراً وَلَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ اِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزیزٌ- همان کسانی که چون می‌گفتند پروردگار ما خداوند یکتا است به ناحق ازخانه‌های خود رانده شدند و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند صوامع و بیع و نمازها و مسجدهایی که در آن‌ها زیاد یاد خدا می‌گردد همه خراب شده به نابودی می‌رفت، و خدا یاری می‌کند کسی که او را یاری کند خدا قوی و شکست‌ناپذیراست(۴۰) اَلَّذینَ اِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ اَقامُوا الصَّلوةَ وَآتَوُا الزَّکوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلِلّهِ عاقِبَةُ الْاُمُورِ-(یاری کنندگان خدا) آنانند که هرگاه در زمین به آنان تمکّن بدهیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به خوبی و نهی از بدی می‌نمایند، و سرانجام امور برای خدا است (۴۱)» و...

ب/۴/۵- دفاع باید متناسب با حمله و ستم دشمن باشد:

آیه‌های ۱۹۰ و ۱۹۳ سوره بقره: «وَقاتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ الَّذینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَلاتَعْتَدُوا اِنَّ اللهَ لایُحِبُّ الْمُعْتَدینَ- (ای گروندگان به قرآن) با کسانی که با شما جنگ می‌کنند در راه خدا جنگ کنید (رضای خدا را در نظر داشته

باشید) و از عدالت تجاوز نکنید که خدا ستمکنندگان را دوست ندارد (۱۹۰)
... وَقاتِلُوهُمْ حَتّى لاتَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدّينُ لِلّه فَانِ انْتَهَوا فَلاعُدْوانَ اِلّا عَلَى الظّالمين- و با آنان جنگ کنید تا فتنه برطرف شود و دین برای خدا باشد (و مانع تبلیغ قرآن و باز دارنده از عمل به آن نباشند) پس اگر (از ادامه جنگ و فتنه) باز ایستادند (جز با ستمگران با بقیه آنان دشمنی نکنید که) دشمنی جز بر ستمگران روا نمی‌باشد (۱۹۳)» و...

پ/٤/٥- برای دفاع از حق در مقابل مشرکین و کفّاری که پیمان ترک مخاصمه را شکسته وآغازگرجنگ و اخراج کننده مسلمانان از شهر و مانع اجرای قرآن و طعنه زننده به حقایق دین اسلامند می‌باید جنگید:

آیات ١٢ و ١٣ و ٣٦ توبه: «وَاِنْ نَكَثُوا اَيمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فى دينِكُمْ فَقاتِلوا اَئِمَّةَ الْكُفْرِ اِنَّهُمْ لااَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ- اگر پس از بستن پیمان، سوگند خود را شکستند و در دین شما طعنه زدند، با امامان کفر بجنگید تا شاید (ازضربه وارد کردن به اسلام) بازایستند (۱۲) اَلاتُقاتِلونَ قَوْماً نَكَثُوا اَيْمانَهُمْ وَهَمُّوا بِاِخْراجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَؤُكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ...- آیا با مردمی که سوگند خود را شکستند و برای اخراج رسول کوشیدند و آغازگر جنگ

بودند نمی‌جنگید؟...(۱۳)...وَقاتِلُوا الْمُشْرِكينَ كافَّةً كَما يُقاتِلُونَكُمْ كافَّةً وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقينَ - همچنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاسته‌اند شما نیز همگی به جنگ آنان برخیزید و بدانید که خدا با اهل تقوی می‌باشد (۳٦))»

و آیه ۳۹ سوره انفال: «وَقاتِلُوهُمْ حَتّى لاتَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدّينُ كُلُّهُ لِلّه - و با آنان بجنگید تا فتنه برطرف شود (و مانع تبلیغ و اجرای قرآن نباشند) و همه دین برای خدا باشد.» و...

ت/٤/٥- لزوم جنگ با گروهی از مسلمانان که به گروهی دیگر ستم می‌کنند و نمی‌خواهند از تجاوز به حقوق آنان خودداری و یا تجاوز خود را جبران نمایند:

آیه ۹ حجرات: «وَاِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَاِنْ بَغَتْ اِحْدَيهُما عَلَى الْاُخْرَى فَقاتِلُوا الَّتى تَبْغى حَتّى تَفيءَ اِلى اَمْرِ اللهِ فَاِنْ فائَتْ فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوا اِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ - اگر دو گروه از مؤمنان بایکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی بدهید و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری ستم نمود با آن گروهی که ستم می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر به فرمان خدا بازگشت، میانشان صلحی عادلانه برقرار کنید و (نسبت به دوست و دشمن) عدالت نمایید که خداوند عدالت‌کنندگان را دوست می‌دارد» و...

ث/٤/٥- اجازه پیکار با کافران به قرآن که به صورت اقلیت در کشور اسلامی زندگی و بطور خصمانه یا به حالت طغیانگری از پرداخت مالیات عادلانه خودداری می‌کنند، پس از ابلاغ قرآن و رعایت قُبْحِ عقاب بلابیان:

آیه ۲۹ سوره‌توبه: «قاتِلُوا الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَلا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَلا یُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللهُ وَرَسُولُهُ وَلا یَدینُونَ دینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذینَ اُوتُوا الْکِتابَ حَتّی یُعْطُوا الْجِزْیَةَ عَنْ یَدٍ وَهُمْ صاغِرُونَ- با کسانی (از اقلیت‌های کشور)که علیرغم ابلاغ کتاب خدا (و توان بهره‌مندی از هدایت قرآن) به خدا و آخرت ایمان نمی‌آورند و آنچه خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و دین حق را دین نمی‌دارند جنگ نمایید تا به‌دست خود جزیه (یا مالیات و سهم عادلانه از مبلغ خدمات مورد بهره‌برداری را) بپردازند و (رفتارتان قرآنی، خردمندانه و عادلانه باشد تا آنان) در برابر احکام اجتماعی قرآن تواضع و به ضوابط جامعه اسلامی عمل نمایند» و...

٤/٦- برای کمک به انسان‌های مظلوم و دفع ستم از آنان اگر راه‌های مسالمت بسته باشد جنگ می‌باید کرد:

آیه ۷۵ سوره نساء: «وَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللهِ وَالْمُسْتَضْعَفینَ

مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا اَخْرِجْنامِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظّالِمِ اَهْلُها وَاجْعَلْ لَنامِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً وَاجْعَلْ لَنامِنْ لَدُنْکَ نَصیراً- چرا در راه خدا و مستضعفین از مردان و زنان و کودکان تحت ستم که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما یار و یاوری قرار بده جنگ نمی‌کنید؟».

٤/٧- مسلمان باید در راه خدا مقاوم و برای اجرای عدالت و احقاق حق استوار باشد:

آیه۱۲۳ سوره توبه: «قاتِلُوا الَّذینَ یَلُونَکُمْ مِنَ الْکُفّارِ وَلْیَجِدُوا فیکُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقینَ- ای اهل ایمان با کافران حربی که برای جنگ با اسلام به سوی شما برگشته و به شما نزدیک شده‌اند بجنگید، باید در شما غلظت بیابند (شما را در جنگ قوی و در عمل به قرآن پابرجا و خود را از نفوذ بر شما ناتوان ببینند) و بدانید که خدا با تقوا پیشگان است (و در هر موقعیتی نباید تعدّی یا تفریط نمایید)» و آیه‌های ۱۵ و ٤٥ سوره انفال: «یاایُّهاالَّذینَ ءامَنُوا اِذالَقیتُمُ الَّذینَ کَفَرُوا زَحْفاً فَلاتُوَلُّوهُمُ الأَدْبارَ- ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با تهاجم کافران روبرو شدید با پشت کردن بر آن‌ها از مبارزه فرار نکنید (۱۵) ... اِذالَقیتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْکُرُوا اللهَ کَثیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ - هنگامی‌که گروهی از دشمنان را ملاقات کردید پایداری کنید و خدا (و

دستورالعمل‌های او در قرآن) را زیاد یاد کنید، باشد که رستگار شوید (٤٥)» و آیه ٤ سوره صف: «اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلونَ فی سَبیلِهِ صَفّاً کَاَنَّهُم بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ- خدا کسانی را که همچون صفی استوار در راه او پیکار می‌کنند دوست می‌دارد» و...

٤/٨- مسلمان جنگ طلب نیست وتا جایی که عدالت قرآنی خدشه‌دار نشود صلح‌جویانه با مشکلات برخورد می‌کند:

آیه ۲۰۸ بقره: «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّةً...- ای اهل ایمان همگی به سلم اندر آیید (تسلیم خدا و صلح‌جو باشید...)» و آیه ۱۲۸ نساء: «...وَالصُّلْحُ خَیرٌ...- صلح خوب است...» و آیه ۱۰۸ انعام: «وَلا تَسُبُّوا الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَیَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ...- آنان را که جز از خدا می‌خوانند دشنام ندهید (اگر شما به مشرکان و یا به مقدسات آنان دشنام بدهید) آنان نیز خصمانه و به نادانی خدا را دشنام می‌دهند...» و آیه ۱ انفال: «...فَاتَّقُوا اللهَ وَاَصْلِحُوا ذاتَ بَیْنِکُمْ...- بترسید از نافرمانی خدا و روابط خویش را اصلاح و بین خود صلح برقرار کنید...» و آیه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا: «وَلا تُطیعُوا اَمْرَ الْمُسْرِفینَ- و دستور اسراف‌کاران را اطاعت نکنید (۱۵۱) اَلَّذینَ یُفْسِدُونَ فِی الْاَرْضِ وَلا یُصْلِحُونَ- آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌نمایند» و آیه ١٤ جاثیه: «قُلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذینَ لا یَرْجُونَ

ایّامَ‌الله... ـ به مؤمنان بگو کسانی را که به (قیامت و سایر) ایّام الله امید ندارند ببخشند (و به خدا واگذارند)...» و آیه‌های ٥٥، ٥٦، ٥٧ و ٦١ سوره انفال: «انَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِنْدَاللهِ الَّذینَ کَفَروا فَهُمْ لایُؤْمِنُونَ- هر آینه بدترین جنبندگان در نزد خدا آن‌ها هستند که کافر شده‌اند و (به حقایق روشنی که در قرآن بیان گردیده است) ایمان نمی‌آورند (٥٥) اَلَّذینَ عاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فی کُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لا یَتَّقُونَ- آن‌ها که هر بار از ایشان پیمان گرفتی پیمان خود را شکستند و (از پیمان‌شکنی، خیانت و ستمگری) پروایی ندارند (٥٦) فَامّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ- پس اگر آن‌ها را در جنگ یافتی طوری پراکنده‌شان ساز که پشتی‌هایشان نیز پراکنده شوند باشد که عبرت گیرند(٥٧)... وَاِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ اِنَّهُ هُوَالسَّمیعُ الْعَلیم- و اگر تمایل به صلح نشان دادند تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن که او شنوا و دانا است (٦١)» و آیه ٢٥٦ بقره: «لااِکْراهَ فِی الدّین... ـ در پذیرش دین اکراه نیست...» و...

٤/٩- انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان که خود را تسلیم اوامر خدا می‌دانند باید دارای پندار، گفتار و کرداری عادلانه باشند و برای عدالت قیام کنند:

آیه ٢٥ سوره حدید: «لَقَدْ اَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَاَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ

وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ...- ما رسولانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان (وسیله شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند...» و...

۴/۱۰- انسان‌ها بخصوص مسلمانان باید از پندار، گفتار و کرداری نیکو برخوردار باشند و پیوسته در مسیر خیر و صلاح، راستی و درستی و حق و عدل تلاش نمایند:

آیه ۱۹۵ سوره بقره: «...وَاَحْسِنُوا اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ- نیکویی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» و آیه‌های ۲ و ۳ سوره عصر: «اِنَّ الْاِنْسانَ لَفی خُسْرٍ- قطعاً انسان زیانکار ودچارخسارت‌می‌باشد(۲) اِلَّا الَّذینَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَتَواصَوا بِالْحَقِّ وَتَواصَوا بِالصَّبْرِ- مگر کسانی که (به آنچه رسولان خدا لزوم ایمان به آن را ابلاغ کرده‌اند) ایمان آورده‌اند و (طبق وحی الهی، ودر زمان امامت قرآن به هدایت این کتاب الهی) عمل‌هایشان نیکو بوده و یکدیگر را به حق توصیه نموده و برای استقامت در مسیر حق (ضمن تهیه وسایل مورد نیاز) به یکدیگر سفارش‌های لازم را کرده باشند» و...

٤/١١- مسلمانان باید آنچنان قوی و عزتمند باشند که کسی جرأت تجاوز به حقوق آنان را نداشته باشد:

آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور: «وَعَدَاللّهُ الَّذینَ ءَامَنُوا منکُم وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِن قَبْلِهِم...- خدا کسانی را از شما که (به قرآن) گرویده و دارای اعمالی شایسته‌اند نوید می‌دهد که آنان را در زمین خلافت بخشد آنچنان که کسانی را قبل از ایشان خلافت بخشید...»

و «آیه‌های ٦٠ و ٦٥ انفال: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِه عَدُوَّاللّهِ وَعَدُوَّكُم وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِم لاتَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ يَعْلَمُهُم...- تا می‌توانید خود را نیرومند و به بهترین سلاح‌ها و وسایل ارتباطی و سواری مجهز سازید به‌طوری‌که دشمن خدا ودشمن خود و بعضی جمعیت‌های دیگر را که خدا می‌شناسد بترسانید (تا جرأت نکنند به حریم اسلام و به حقوق مسلمانان تجاوز نمایند)... (٦٠) ...وَإِن يَكُن مِنكُم مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفاً مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُم قَوْمٌ لا يَفْقَهُونَ- و اگر (خود و جامعه خویش را به هدایت قرآن قوی ساخته و هنگام نبرد نیز صابر باشید) صد نفر از شما بر هزار نفر ازکافران اسلام‌ستیز غلبه می‌کنند زیرا آن کافران فاقد بینش و دانش عمیقند» و آیه ۱۱ رعد: «... إِنَّ اللّهَ لايُغَيِّرُ مَابِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَابِأَنْفُسِهِم...- خدا وضعیت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگراینکه آن قوم وضع خود را تغییر بدهند (هر قوم و

ملتی که بیشتر و آگاهانه‌تر به آموزش‌های قرآنی عمل کند قوی‌تر و عزتمندتر و از نعمتهای بیشتر بهره‌مند می‌گردد)» و...

٤/١٢- با کفار حربی که برای رسانیدن آسیب به اسلام فتنه و جنگ می‌نمایند باید با قاطعیت و شدتی عادلانه برخورد کرد، باشد که دیگر به حقوق مسلمانان تجاوز ننمایند:

آیه۲۹ سوره فتح: «**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... - محمد(ص) فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفّار (دشمنان حربی اسلام) شدید و در بین خود مهربان می‌باشند...**» طبق آیاتی نظیر آیه‌های ۸ و ۹ سوره ممتحنه، به کفار غیر حربی که در امر دین به مسلمانان صدمه نزده‌اند می‌توان ملایمت و نیکویی کرد و تا آنجا که برای اسلام ضرری نداشته باشد با آنان دوستی نمود: «**لَا يَنْهَاكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که با شما در امر دین پیکار نکردند و از خانه‌هایتان بیرون نراندند باز نمیدارد (در هر حال و با هر کس عدالت را رعایت کنید زیرا) خدا عدالت پیشگان را دوست می‌دارد** (۸) **إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ**

فِی الدّینِ واَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ وَظاهَرُوا عَلَی اِخْراجِکُمْ اَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَاُولئِکَ هَمُ الظّالِمُونَ- خدا شما را از دوستی با کسانی بازمی‌دارد که در امر دین با شما پیکارکردند و از خانه‌هایتان بیرون راندند و یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با این کافران دوستی کند ستمگر می‌باشد» و...

٤/١٣- باید پیوسته خداوند را در نظر داشت و ضمن تبیین حقایق و تحلیل وقایع، از کمترین ستم حتی نسبت به دشمن ستمگر خود دوری نمود:

آیه ٩٤ نساء: «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا اذا ضَرَبْتُمْ فی سَبیلِ الله فَتَبَیَّنُوا وَلا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقَی اِلَیْکُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیوةِ الدُّنْیا فَعِنْدَ الله مَغانِمُ کَثیرَةٌ کَذلِکَ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللهُ عَلَیْکُمْ فَتَبَیَّنُوا اِنَّ اللهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبیراً- ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی در راه خدا مبارزه می‌کنید باید (حقّانیت دین خدا و درستی روش خود را برای دیگران به‌ویژه برای دشمنان، و علت و چگونگی جنگ و صلح دشمن را برای خود) تبیین و روشن نمایید و به کسی که (از سپاه دشمن) به شما سلام می‌دهد (به گمان اینکه کافر و قصد او فریب و غافلگیری است) نگویید مؤمن نیستی، اگر غنیمت زندگانی دنیا را می‌جوئید، غنیمت‌های زیاد نزد خدا است شما از قبل آنچنان بودید (کفر می‌ورزیدید و برای متاع دنیا ستیز می‌کردید) خدا بر شما منت نهاد (و برای

ایمان و عمل به حق به‌وسیله قرآن هدایتتان نمود و اکنون که هدف شما تبلیغ قرآن و اجرای عدالت برای کسب رضایت خداوند است نباید در اثر کوتاهی در بیان حق و به سبب گمان باطل مرتکب ظلمی شوید که روز جزا شرمنده و پشیمان باشید) پس تبیین کنید (واگر کسی جرم قابل مجازاتی نکرده است و خطری هم برای شما ندارد او را رها کنید و بدانید که) خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» و آیهٔ ۸ مائده: «...کُونُوا قَوّامِینَ لِلّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَلا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَئانُ قَوْمٍ عَلَی اَلّا تَعْدِلوا اعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَی...- قوام یافته و قیام‌کننده و مستقیم برای خدا بوده، شهادت‌دهنده به حق و عدل، و الگوی راستی و درستی (بر سایر ملت‌ها) باشید و کینه و دشمنی نسبت به قومی موجب بی‌عدالتی و مجرمیت شما نباشد (و چون هر انسانی باید متّقی باشد لذا) عدالت کنید که عدل به تقوا نزدیک‌تر است...» و...

تبصره- باتوجه به آیاتی نظیر: «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَیْرِ فِتْنَةً وَاِلَیْنا تُرْجَعُونَ- همه کس مرگ را خواهند چشید و بیازماییم شما را به بدی و خوبی آزمودنی (دقیق) و (پس از مرگ با برپائی قیامت) به سوی ما رجعت داده می‌شوید (۳۵ انبیاء)» انسان به طرق مختلف در دنیا مورد امتحان قرار می‌گیرد تا ضمن ساختن خویش‌چگونگی بینش، تقوا، عدالت و بندگی خود را مشخّص کند و درآخرت به جزا و جایگاهی که شایسته ایمان و عمل وشخصیّت اوست برسد، در این راستا، کسی

که دارای پندار واعمالی ناپسند باشد و بطورعمد درجهت خلافِ حکمِ خدا انسانی صالح را نیز بکشد، با ارتکاب ایـن جنایـت ممکـن اسـت ثابت نماید که از تقوا و عدالت خالیست و در صورت داشتن فرصت و مکنت، از کشتن بقیه انسان‌ها نیز در جهـت ارضـای امیـال و اغـراض خود امتناع نخواهد کرد و به این سبب در آخرت همچون کشنده تمـام انسانها بـا او برخـورد شـود و دائمـا در عـذابی الـیم گرفتـار باشـد: **«...مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسادٍ فِی الْاَرْضِ فَكَاَنَّما قَتَلَ النّاسَ جَمیعاً...- هـر کس انسانی را که کسی را نکشته یا در زمین فسادی ایجاد نکرده است بکشد مثل آنست که همه انسان‌ها را کشته است... (۳۲ مائده)» و...**

۵- لزوم بازنگری در منشور ملل متّحد، حذف اختیار وِتو و افزایش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری:

وِتو کردن راه حلِّ اختلافی که آن اختلاف مُخلِّ صلح و امنیّت بین‌المللی است توسّط عضو دائمی شورای امنیّت سازمان ملل متّحد (یا ممانعتِ عضو دائمی شورای مذکور از به تصویب رسیدن تصمیمی عادلانه) و یا اتّخاذ بعضی تصمیمات تبعیض‌آمیز و ناروا در شورای امنیّت، از اقداماتی می‌باشند که علاوه بر ناهماهنگی با آموزشهای قرآن[1] و سایر کتابهای الهی، با مقاصد و بعضی اصول مقیّد در منشور ملل متّحد[2] (مبنی بر حفظ صلح و امنیت عادلانه) هماهنگی ندارند و ممکن است خود آنها محرّکی برای بعضی جنگها و پشتوانه برخی ستمها نظیر کشتار و بیرون راندن گروههائی از مردم فلسطین بوده و در افزایش کینه‌ورزی و رفتارهای انتقامجویانه و ناامنیِ‌مناطق مختلف جهان مؤثّر باشند، لذا می‌باید با بازنگری در منشور ملل متّحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و با اصلاح بعضی مواد آنها **(بخصوص مواد ۲۳، ۲۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور که طبق آنها پنج عضو از پانزده عضوِ شورای امنیّت شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، شوروی و چین عضو**

دائمی این شورا بوده و جز موارد استثنائی بدون موافقت تمامی ۵ عضو مزبور صدور قطعنامه از شورای امنیّت و اصلاح منشور و به تَبَعِ آن اصلاح اساسنامه دیوان ناممکن گشته است) ترتیبی اتّخاذ شود که ضمن غیردائمی شدن کلّیه اعضاء شورای امنیّت و حذف اختیار وِتو، به موارد و میزان صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز افزوده گردد و دادگاههای بین‌المللی علاوه بر بعضی مسائل دولتها، به اتهامات و دعاوی مهمّی که در دادگاههای محلّی رسیدگی عادلانه آنها مقدور نباشد، بطور بیطرفانه و عادلانه رسیدگی نمایند تا با گسترش دامنه عدالت در جهان، حکم قرآنی «**...لاتَظْلِمُونَ وَلاتُظْلَمُون – نه ظلم کنید و نه مورد ظلم قرار گیرید** (۲۷۹ سوره بقره)» در نقاط مختلف بصورت اصلی تخلّف‌ناپذیر مورد پذیرش و عمل قرار گیرد و همه ملل جهان اعم از قوی و ضعیف با حُسْنِ همجواری و احترام متقابل و با اطمینان به اینکه هیچ ستمگر و متجاوزی از تعقیب عادلانه مصون نخواهد ماند از تهیّه و انبار وسائل کشتار جمعی خودداری نمایند و کارخانه‌های اسلحه‌سازی با تغییر مقادیر قابل توجّهی از محصولات خود به وسائل رفاهی، و ارتش کشورها با پرداختن به کارهای آبادانی و عام‌المنفعه، و دولتها و مدیران جوامع با صرف امکانات موجود در مسیر سازندگی و در جهت رفع نیازمندیهای اساسی مستضعفین، کلّیه نقاط قابل سکونت جهان را از

تسهیلات مناسب رفاهی برخوردار کنند و با تقسیم عادلانه امتیازات مادّی و معنوی میان همه ملل و مناطق جهان و با تعقیب تجاوزکنندگان به حقوق انسانها توسّط دادگاههای ملّی و بین‌المللی و با فراهم کردن امکان بهره‌مندی عموم افراد از آزادیهای عادلانه، موجبات ظهور جنگهای مختلف برطرف شود و صلح و امنیّت در کلّ جهان برقرار و مداوم باشد...

۵/۱- نمونه‌ای از آیات قرآن در رابطه با ممنوعیّت ایجاد ناامنی و هر نوع اقدام ناعادلانه دیگر:

با استنباط از آیاتی نظیر آیه‌های ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره بقره مشعر به: «**وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ یُشْهِدُ اللهَ عَلَی ما فِی قَلْبِهِ وَهُوَ اَلَدُّ الْخِصامِ. وَاِذا تَوَلَّی سَعَی فِی الْاَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَیُهْلِکَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللهُ لایُحِبُّ الْفَسادَ**» بعضی مردمان با ظاهری خیرخواه وگفتاری بشردوستانه خود را طرفدار عدالت و امنیّت و خواهان صلح و دوستی جلوه می‌دهند، امّا از تجاوز به حقوق دیگران و ایجاد ناامنی و فساد پروا نمی‌کنند و با بهانه‌های مختلف به نابودی کشت و زرع و هلاک کردن انسانها و به ایجاد فساد میپردازند، درحالیکه خداوند فساد را دوست نمی‌دارد و در آیاتی مانند آیه ۱۳۵ سوره نساء با بیان: «... **کُونُوا قَوّامینَ**

بِالْقِسْطِ شُهَداءَلِلّهِ وَلَوْعَلَی اَنْفُسِکُمْ اَوِالْوالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبینَ...» خواسته است قیام‌کننده به عدالت و شهادت‌دهنده برای رضای خدا باشیم حتّی اگر در دنیا به زیان ما یا به زیان پدر و مادر و نزدیکانمان باشد و در آیه ۸ سوره مائده می‌فرماید: «**...وَلایَجْرِمَنَّکُمْ شَنَئانُ قَوْمٍ عَلَی اَلّاتَعْدِلُوااعْدِلُوا... - دشمنی قومی موجب بی‌عدالتی و مجرمیّت شما نشود، باید در همه موارد عدالت کنید...**» و در آیه ۱۵۲ سوره انعام با تأکید به اینکه: «**...اِذاقُلْتُمْ فَاعْدِلُواوَلَوْکانَ ذاقُرْبی... ـ وقتی سخنی می‌گوئید عدالت کنید اگرچه به زیان نزدیکان باشد**» و در آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعرا با بیان: «**وَلاتُطیعُوا اَمْرَالْمُسْرِفینَ** - و دستور اسرافکاران را اطاعت نکنید. **اَلَّذینَ یُفْسِدُونَ فِی الْاَرْضِ وَلایُصْلِحُون** ـ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح **نمی‌نمایند**» همچنین با واجب نمودن امر به معروف و نهی ازمنکر و بیان: «**وَلْتَکُنْ مِنْکُمْ اُمَّةٌ یَدْعُونَ اِلَی الْخَیرِ وَیَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَاُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (۱۰۴ آل عمران)»، علاوه بـر آنکه شخصِ ما را از هر نوع بی‌عدالتی و تبعیضِ ناروا و فساد منع فـرموده است، می‌خواهد قیام‌کننده به عدالت بوده و مانع بی‌عدالتی و فساد دیگران نیز باشیم...

۵/۲- موافقت اجمالی منشور ملل متّحد با حفظ صلح و امنیّت عادلانه بین‌المللی:

ماده ۱ منشور ملل متّحد مصوّب ۱۹٤٥ میلادی: «**مقاصد ملل متّحد بقرار زیر است:** ۱ـ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور بعمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و تصفیه اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با وسایل مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، ۲ـ توسعه روابط دوستانه در بین ملل برمبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی، ۳ـ حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و، ٤ـ بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می‌دارند.» و...

در خاتمه: ما انسان‌ها معمولاً عقاید واعمال ناشی از عقاید خود را صحیح وحق می‌دانیم و در دنیا از داشتن آن‌ها خوشحالی نیز می‌نمائیم: «**...كُلُّ حِزْبٍ بِمالَدَيْهِمْ فَرِحُونَ** (۵۳ سوره مؤمنون و ۳۲ سوره روم)» درحالی که علاوه بر کتاب هدایت خدا که میزان تشخیص حق و باطل بوده و اعتقادات و اعمال ناصحیح را مشخّص نموده است، اختلاف‌هایی که بین باورهای پیروان مذاهب و تضادهایی که میان گروه‌های مختلف وجود دارد دلیلی واضح به ناصحیح بودن اکثر عقاید و اعمال ما جهانیان است و برای آنکه در آخرت دچار اندوه و مشکلاتی عظیم و خساراتی غیرقابل جبران نباشیم واجب است با استفاده از قرآن **(که تنها کتابِ کامل برای هدایت بشر بوده که به نسبت کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل، از آمیخته شدن با روایات و تغییر و تبدیل مصون مانده است)** اعتقادات و اعمال خود را خردمندانه مورد رسیدگی و ارزیابی قراردهیم و ضمن مطالعه دقیق این کتاب الهی، درجهت کسب رضای خدا و با امید به برخورداری از یاری او، در رفع ایراد عقاید و اعمال خویش بکوشیم: «**وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَاِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ - و کسانی که در ما کوشیدند (و با تدبّر در قرآن برای تشخیص حق و پذیرش و عمل آن تلاش نمودند) آنان را به راه‌های خویش هدایت می‌کنیم، و محقّقاً خداوند با نیکوکاران است** (۶۹ عنکبوت)» و علاوه بر اینکه نسبت به همه، اعم از دوست و دشمن رفتارمان عادلانه باشد از نیکی به یکدیگر

منجمله به کافرانی که در مورد دین با مسلمانان جنگ نکرده‌اند مضایقه ننماییم: (سوره ممتحنه) و بخصوص نسبت به مسلمانان نه تنها کمترین دشمنی و کینه‌ای نداشته باشیم بلکه آنان را برادران ایمانی خود دانسته و همیشه خیرخواه و دعاگوی ایشان باشیم و به پیشگاه خدا عرضه بداریم که: «...**رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَلِاخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقونا بِالْایمانِ وَلا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذینَ ءامَنُوا رَبَّنا اِنَّکَ رَؤُفٌ رَحیمٌ** – **پروردگارا ما را و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آورده‌اند ببخش و هیچ کینه ای نسبت به مؤمنین (به قرآن) در دل ما قرارمده، پروردگارا بدرستی که تو رئوف و رحیمی** (۱۰ حشر)». وتوجه داشته باشیم که بعضی روایات و ساخته‌های خلاف قرآن علاوه بر افزایش تفرقه و خصومت و دامن زدن به ضعف و عقب‌ماندگی‌ها موجب تغییر دین اسلام، یا سبب مشکل شدن پذیرش آن و یا باعث سخت شدن اجرای دین در جامعه می‌باشند و تبلیغ و پیرَوی آنها گناهی بزرگ و حتّی ممکن است دروغ بستن به خدا و رسول و یا روگردانی از قرآن محسوب شود و بدیهایی را از انواع ذلّت و عذاب با خود داشته باشد: «**وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَری عَلَی اللهِ کَذِباً... – چه کسی ظالمتر است از آنکه به خدا دروغ ببندد** (۲۱ سوره انعام) ... **اِجْتَنِبوا کَثیراً مِنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ... – از بسیاری از گمانها اجتناب کنید قطعاً بعضی گمانها گناه می‌باشند...** (۱۲ حجرات). **وَلا تَقْفُ مالَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ... – وآنچه**

را به آن علم نداری تبلیغ و پیروی مکن... (۳٦ اسرا). فَاِذْلَمْ یَأْتُوابِالْشُّهَدَاءِ فَأُولَئِکَ عِنْدَاللهِ هُمُ الْکاذِبونَ... — اگر (اتّهامی ناروا به کسی می‌زنند و برای اثبات آن) تعدادی شاهد نیاوردند ایشان نزد خدا دروغگومی‌باشند... — ... تَقُولُونَ بِأَفْواهِکُمْ مالَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ... — به زبانهایتان چیزی می‌گویید که به آن علم ندارید... (۱۱ تا ۲۱ نور). وَاِذااَنْعَمْناعَلَی الْاِنْسانِ اَعْرَضَ وَنَأبِجانِبِهِ وَاِذامَسَّهُ الشَّرُّ کانَ یَؤُسا... - هرگاه به انسان (نعمتی همچون قرآن را) انعام دادیم اعراض کرد و به کنارش نهاد و وقتی (به علت گرایش به باطل) شرّی به او رسید ناامیدانه دعا و فغان می‌کند... (۸۲ تا ۸٤ اسرا و ٤۰ تا ۵۲ فصّلت). هُوَالَّذِی یُنَزِّلُ عَلَی عَبْدِهِ آیاتٍ بَیِّناتٍ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ... ـ خدا بر بنده خود آیات روشن (قرآن) را نازل می‌کند تا شما را از تاریکیها خارج کند وبه نوربرساند(۹ حدید). ... وَاُوحِیَ اِلَیَّ هَذاالْقُرْآنُ لِاُنْذِرَکُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ... ـ و این قرآن به من وحی گردید تا شما و هر که را که قرآن به او برسد به وسیله آن هشدار بدهم (۱۹ انعام). اِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوادِینَهُمْ وَکانُواشِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْءٍ... — (ای محمد) آنان که دین خود را جدا کردند و (به جای آنکه پیرو تو و تابع قرآن باشند) گروههای مختلفی تشکیل دادند نه تو از آنان هستی ونه آنان ازتومی‌باشند...(۱۵۹ انعام). اِنَّماتُنْذِرُمَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَوَخَشِیَ الرَّحْمَنَ بِالْغَیْبِ... — به واقع تو کسی را بیم می‌دهی (و به راه راست هدایت می‌کنی) که از قرآن متابعت واز(منِ) بخشنده پروا می‌کند... (۱۱ یس). وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ

ذِکْری فَاِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنْکاً وَنَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقیامَةِ اَعْمَی... – و کسی که از ذکر من (قرآن) روی بگرداند زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم... (۱۲٤ تا ۱۲٦ طه). وَالَّذینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ وَاَقامُوا الصَّلاةَ اِنّا لانُضیعُ اَجْرَ الْمُصْلِحینَ – و آنان که متمسّک به کتاب خدا و اجراکننده آنند و نماز (و دعا به درگاه خدا) را بر پا می‌دارند ما (هرگز) اجر (اینچنین) اصلاح‌کنندگان را ضایع نمی‌کنیم (۱۷۰ اعراف). فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذی اُوحِیَ اِلَیْکَ اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ – پس به آنچه به تو وحی شده چنگ بزن (دراین صورت) توبر راه راست هستی(٤۳ زخرف) وَاِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَلِقَومِکَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ– قطعاً این (قرآن) قانون تو و قانون قوم توست و به زودی (در مورد نحوه عمل به آن) مورد سؤال قرار خواهید گرفت (٤٤ زخرف). اِنَّهُ مَنْ یَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِماً فَاِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لایَمُوتُ فیها وَلا یَحْیَی – و کسی که گنهکار نزد پروردگارش آید جهنّم برای اوست که نه در آن می‌میرد و نه زندگی می‌کند (٧٤ طه)...».

با تشکر از شما حق‌جویان عزیزی که به احترام قرآن سخنان نارسای این نگارنده کوچک را تحمل فرموده‌اید و برای رفع نواقص آن و در جهت رستگاری خویش قرآن را مورد تدبّر و تفکّر قرار می‌دهید.

«والسّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدی

قاضی بازنشسته– محمود جاویدان

ما انسان‌ها معمولاً عقاید واعمال ناشی از عقاید خود را صحیح و حق می‌دانیم و در دنیا از داشتن آن‌ها خوشحالی نیز می نمائیم: «... **کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ**» درحالی که علاوه بر کتاب هدایت خدا که میزان تشخیص حق و باطل بوده و اعتقادات و اعمال ناصحیح را مشخّص نموده است، اختلاف‌هایی که بین باورهای پیروان مذاهب و تضادهایی که میان گروه‌های مختلف وجود دارد دلیلی واضح به ناصحیح بودن اکثر عقاید و اعمال ما جهانیان است و برای آنکه در آخرت دچار اندوه و مشکلاتی عظیم و خساراتی غیرقابل جبران نباشیم واجب است با استفاده از قرآن (**که تنها کتابِ کامل برای هدایت بشر بوده که به نسبت کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل، از آمیخته شدن با روایات و تغییر و تبدیل مصون مانده است**) اعتقادات و اعمال خود را خردمندانه مورد رسیدگی و ارزیابی قرار دهیم و ضمن مطالعه دقیق این کتاب الهی، درجهت کسب رضای خدا و با امید به برخورداری از یاری او، در رفع ایرادِ عقاید و اعمال خویش بکوشیم.